

پیشنهادهای جدید آمریکا به ایران

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با انتشار بیانیه‌ای، آخرین وضعیت آتش‌بس و تنگه هرمز را تشریح کرد

امیر وطن پرست

به مناسبت روز ارتش به یاد امیر سپهبد شهید سید عبدالرحیم موسوی به زندگی و زمانه او پرداخته‌ایم

عاطفه شمس
گروه سیاسی

می‌گفت «اگر هزار بار هم برای مردم و اعتقادات آنان جان دهم، باز هم آرزو دارم برای دفاع از این ملت زنده شوم و در برابر دشمنان

آنان بجنم»؛ این جمله، تصویری از نگاه امیر سپهبد شهید سید عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، به مأموریت نظامی و هویت حرفه‌ای اش به دست می‌دهد؛ فرماندهی که مسیر زندگی اش از کوجهای ساده قم و کار در کارگاه خانوادگی در کودکی تا رسیدن به عالی‌ترین سطوح فرماندهی در

ساختار نظامی ایران امتداد یافت و در نهایت نهم اسفندماه در پی تجاوز آمریکایی-صهیونی به بیت رهبری و در جریان جلسه شورای عالی دفاع، به شهادت رسید. چندروز بعد در خبرها آمد که پلاک شناسایی شهید موسوی به همراه یکی از آخرین دست‌نوشته‌هایش پیدا شده است. موسوی که حالا در برخی روایت‌ها به

او لقب «سیدالشهدای نیروهای مسلح» را داده‌اند، در این یادداشت نوشته است: «دنیا چیز بدی است، چون اگر همه را هم به دست بیاوری، چیزی به دست نیاورده‌ای، اما این حسن دنیا هم هست، چرا که اگر کل آن را هم از دست بدهی، چیزی را از دست ندادی». ادامه در صفحه ۲



تبعیض حقوق در دانشگاه‌ها

افزایش نجومی حقوق اعضای هیأت‌های علمی با واکنش کارمندی روبه‌رو شد که فقط ۲۰ درصد به حقوق‌شان اضافه شده است

سرمقاله

توافق با حس پیروزی یا حس شکست؟

افکار عمومی، داور نهایی موفقیت یا شکست مذاکرات خواهد بود

محسن هاشمی‌رفسنجانی



رئیس شورای مرکزی حزب کارگران سازندگی ایران

با آتش‌پس ۱۵ روزه میان ایران و آمریکا، مذاکرات جهت دستیابی به توافق آغاز شده که ممکن است به تمدید آتش‌بس نیز برای انجام مذاکرات برسد. در این شرایط، واکنش‌های متفاوتی را در داخل کشور شاهد هستیم، ولی از میان واکنش‌ها، دو جریان با انجام مذاکرات و توافق به صورت جدی مخالف هستند: جریان نخست، طرفدار براندازی نظام هستند و معتقدند اگر این مذاکرات به صلح و توافق پایدار منجر شود، سناریوی رژیم چنج به بن‌بست خواهد رسید و براندازی ناکام خواهد ماند. جریان دوم، کسانی هستند که اصل مذاکره را خیانت به خون شهدا می‌دانند و معتقدند نباید با قاتلان حاج قاسم و آیت‌الله خامنه‌ای، حتی مذاکره کرد چه رسد توافق. در این میان به نظر می‌رسد بخش مهمی از جامعه و حتی شاید اکثریت مردم، به تداوم جنگ و خونریزی تمایلی ندارند و مذاکره برای توافق پایدار را بر ادامه جنگ و تخریب زیرساخت‌های کشور ترجیح می‌دهند. در این شرایط، به نظر می‌رسد عامل اصلی در قضاوت توده‌های اجتماعی، حس آنها نسبت به حاد شدن است؛ یعنی توافق را با حس پیروزی ارزیابی می‌کنند یا با حس شکست. بی‌مناسبت نیست در این شرایط مروری داشته باشیم به تجربه مشابه ایران در هشت سال دفاع مقدس: در سال ۱۳۶۲ که آیت‌الله هاشمی از سوی امام خمینی (ره) به‌عنوان فرمانده جنگ منصوب شد، استراتژی خود را «جنگ جنگ تا یک پیروزی»، به فرمانده کل قوا اعلام کرد. این در شرایطی بود که در تبلیغات و اعلام عمومی، سیاست نظام «جنگ جنگ تا پیروزی» و «جنگ جنگ، تا رفع فتنه در عالم» اعلام می‌شد. در سال‌هایی که با عملیات مختلف جان‌پرکفان، منجر به فتح جزایر مجنون و بعد فاو و شلمچه شد، این پیروزی‌ها، اگرچه یک پیروزی بزرگ نظیر تصرف بصره که مدنظر فرماندهان جنگ بود، نبودند ولی منجر به تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل، مبنی بر خاتمه جنگ براساس حفظ تمامیت ارضی ایران شد. همزمان با این پیروزی‌ها، طیفی از نمایندگان مجلس شکل گرفت، که با دعوت فرماندهان نظامی به جلسات خود، در پی فهم نقشه راه کشور، برای پایان دادن به جنگ و امکان به دست آوردن پیروزی بودند و برخی مدعیین که از نحوه پرسش‌ها و چالش‌های این جلسات ناراضی بودند، با ارائه شکوه به دفتر امام خمینی موجب تعلیق جلسات شدند. سرانجام در بهار ۱۳۶۷ ظرف چند ماه، هر سه پیروزی مهم ایران که ظرف سه سال به دست آمده بود، از دست رفت و جزایر مجنون، فاو و شلمچه توسط ارتش عراق باز گرفته شد. در آن شرایط، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا، با ارسال گزارشات فرماندهان نظامی و مسئولان اقتصادی و فرهنگی کشور به امام خمینی، پیشنهاد کرد که ایشان قطعنامه را با مسئولیت خود بپذیرد و سپس محاکمه و حتی اعدام شود اما جلوی خسران غیرضرور کشور و شهدای بیشتر و بیشتر گرفته شود. در نهایت، امام خمینی با پیام تاریخی خود در تیرماه ۱۳۶۷ آبروی خود را با خدا معامله و قطعنامه را بپذیرفتند. اما چون این آتش‌بس در شرایط از دست رفتن پیروزی‌های مهم ایران در جنگ انجام شده بود، رزمندگان با حس شکست آتش‌بس را پذیرفتند. در شرایط فعلی نیز که مهم‌ترین ابزار و برگ برنده کشور در مذاکرات، بسته بودن تنگه هرمز است، اگر توافقی با امتیازات مهمی نظیر رفع تحریم و آزادی اموال توقیف‌شده ایران در جهان صورت گیرد، این توافق برای رزمندگان و مردم حاضر در خیابان‌ها، توافق با حس پیروزی خواهد بود، اما اگر به هر شکلی، تنگه هرمز با محاصره یا جنگ خارج از اراده نظام باز شود، در نهایت آتش‌بس و توافق با حس شکست خواهد بود. کسانی که امروز به جای حمایت از مذاکرات و توافق متعادل و تأمین‌کننده حداقل امتیاز ممکن برای کشور، به خصوص در اقتصاد که ممکن است به چالش جدی معیشتی و سونامی تومی در آینده نیز منجر شود، به تخریب مذاکره و مسئولان مربوطه می‌پردازند، متوجه باشند که مسئولان مذاکره‌کننده بیش از همه، به دنبال دستاورد هستند و فشار و تخریب آنها از داخل، قدرت گرفتن تصمیم درست توسط آنها را تضعیف می‌کند و اگر با تخریب مسئولان و مذاکرات همچنان به سیاست‌های گذشته خود ادامه دهیم، عملاً در خدمت جریان برانداز که هر توافق و صلحی را مانع تغییر نظام می‌بیند، قرار گرفته و به این جریان که کارفرمای اصلی آن اسرائیل است، خدمت کرده‌ایم.

دیدگاه: گفتار سیاسی

مسیر عبور از بحران

سیدحسین مرعشی: دولت، شورای بازسازی اقتصاد را به سرعت تشکیل دهد



گروه سیاسی: سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس از دل تجربه‌های گذشته و به‌ویژه دوران پس از جنگ تحمیلی، تصویری از وضعیت امروز اقتصاد ایران ترسیم کرد؛ تصویری که در آن، تصمیم‌گیری سریع و بازنگری در مسیر توسعه به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. مرعشی در ادامه، تشکیل شورای بازسازی اقتصاد را یک ضرورت فوری در شرایط فعلی دانست و آن را راهی برای عبور از بحران‌های اقتصادی عنوان کرد.

مرعشی معتقد است تدوین یک برنامه جامع بازسازی و توسعه، با هدف کنترل تورم و دستیابی به رشد پایدار اقتصادی، می‌تواند مسیر آینده اقتصاد ایران را تغییر دهد و زمینه‌ساز یک دوره جدید از رشد و ثبات شود. به گفته او، ایران امروز ظرفیت لازم برای آغاز یک دوره رشد اقتصادی جدید را دارد. او معتقد است شرایط امروز، اگرچه دشوار است، اما به‌مراتب بهتر از دوره پس از پایان جنگ ۸ ساله است و همین مسأله امکان برنامه‌ریزی مؤثرتر را فراهم کرده است.

مرعشی با اشاره به کاهش شدید ثروت ملی در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، یادآور می‌شود که کشور در آن زمان با وجود ضعف‌های مدیریتی و زیرساختی، توانست با تشکیل شورای بازسازی، مسیر جدیدی را آغاز کند. این شورا با حضور مقامات ارشد وقت، به‌جای تمرکز صرف بر جبران خسارات جنگ، تصمیم گرفت بازسازی اقتصاد را در اولویت قرار دهد؛ تصمیمی که به گفته او، زمینه‌ساز رشد اقتصادی سریع و شکل‌گیری برنامه اول توسعه شد و بخش مهمی از زیرساخت‌های صنعتی امروز کشور نیز حاصل همان دوره است.

او با مقایسه شرایط فعلی با آن مقطع تاریخی، تأکید می‌کند که امروز کشور از نظر توان مدیریتی و فنی در سطحی بسیار بالاتر قرار دارد و همین امر فرصت مهمی برای عبور از چالش‌های اقتصادی ایجاد کرده است. با این حال، مرعشی هشدار می‌دهد که اقتصاد می‌تواند همزمان نقطه‌قوت یا ضعف کشور باشد. به گفته او، همان‌طور که توان دفاعی نقش بازدارنده دارد، اقتصاد نیز در صورت تقویت می‌تواند به عامل ثبات تبدیل شود و در صورت ضعف، حتی زمینه‌ساز بحران‌های بزرگ‌تر از جمله تنش‌های امنیتی شود.

او با اشاره به برخی ناآرامی‌های اقتصادی که ریشه در مشکلاتی مانند نوسانات نرخ ارز داشته‌اند، توضیح می‌دهد که ضعف اقتصادی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای فراتر از حوزه معیشت داشته باشد. از سوی دیگر، به گفته مرعشی، دشمنان نیز به‌طور همزمان بخش‌های کلیدی اقتصاد را هدف قرار می‌دهند تا تاب‌آوری کشور را کاهش دهند. در چنین شرایطی، نقش دولت در تأمین کالاهای اساسی و حفظ ثبات بازار، عاملی مهم در افزایش تاب‌آوری جامعه ارزیابی می‌شود.

مرعشی در ادامه بر این نکته تأکید می‌کند که کشور نیازمند یک برنامه جامع بازسازی است که تنها به جبران خسارات محدود نشود، بلکه افق بلندمدتی برای توسعه اقتصادی ترسیم کند. او پیشنهاد می‌دهد دولت با الگوبرداری از تجربه سال ۱۳۶۸، یک شورای بازسازی جدید با هماهنگی سطوح عالی حاکمیت تشکیل دهد. این شورا باید مسئول تدوین برنامه‌ای باشد که دو هدف اصلی را دنبال کند: کنترل تورم و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت.

به باور او، چنین برنامه‌ای می‌تواند نقطه آغاز یک دوره جدید اقتصادی باشد؛ دوره‌ای که در آن، با اصلاح قوانین دست‌وپاگیر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، امکان دستیابی به رشد اقتصادی حتی در سطوح دورقمی نیز وجود دارد. مرعشی تأکید می‌کند که تحقق این اهداف بیش از هر چیز به اراده مدیریتی و برنامه‌ریزی دقیق وابسته است.

ارتش در صف اول دفاع از کشور

رهبر انقلاب: ارتش دلاورانه از آب و خاک و پرچم خود دفاع می‌کند



گروه سیاسی: رهبر انقلاب به مناسبت

روز ارتش در پیامی ضمن تبریک این روز به ارتشیان و خانواده‌های آنان، از مسیری گفت که ارتش از پس انقلاب اسلامی تا امروز پیموده است؛ مسیری که به گفته او از دل دگرگونی تاریخی آغاز شد و به ایستادگی در برابر تهدیدها و تبدیل شدن به نیروی برخاسته از مردم انجامید. او در این پیام، ارتش را در صف نخست دفاع از کشور توصیف کرد و بر نقش آن در حفظ استقلال و امنیت ایران در برابر دشمنان تأکید داشت. در پیام آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، آمده است: «پیروزی انقلاب اسلامی، خط فاصل بین دو مقطع از حیات ارتش

به‌شمار می‌رود و باید آن را پایان دوران ضعیفی دانست که از سوی دشمنان این آب و خاک و به‌دست حاشین داخلی بر ارتش و ارتشیان دلاور و صادق کشور تحمیل شده بود. از آن پس ارتش، در جای صحیح خود ایستاد و به‌جای آنکه متعلق به نظام طاغوتی و فاسد پهلوی باشد، در آغوش گرم ملت قرار گرفت که به‌راستی ارتش فرزند ملت است و از دل خانه‌های مردم برمی‌آید. به‌زودی ارتش در مقابل نقشه‌های شوم آمریکا و بازماندگان طاغوت پهلوی و تجزیه‌طلبانی که ایرانی از هم‌گسسته می‌خواستند، ایستاد و حماسه‌ها آفرید.»

در ادامه این پیام تأکید شده است: «ارتش اسلام اینک همچون دو جنگ تحمیلی سابق، دلاورانه از آب و خاک و پرچمی که به آن تعلق دارد، دفاع می‌کند و با تکیه‌گاه قوی الهی و مردمی خود و در صفوفی مترکم و مستحکم، دوشادوش دیگر مجاهدان نیروهای مسلح، با دو ارتش رأس جبهه کفر و استکبار، پنجه در پنجه درافکنده و ضعف و مذلت آنان را در انظار جهانیان نمایان ساخته است؛ همان‌طور که پهبادهای آن صاعقه‌وار بر جانان آمریکایی و صیونی وارد می‌آید، نیروی دریایی دلاورش آماده است تا تلخی شکست‌های جدیدی را به

کام دشمنان بچشاند».

رهبر انقلاب همچنین با اشاره به سالروز تولد رهبر شهید انقلاب اسلامی، بر نقش ایشان در حفظ و تقویت ارتش پس از انقلاب تأکید کرده و افزوده‌اند: «بیست و نهم فروردین‌ماه سالروز تولد یگانه دوران، رهبر عظیم‌الشأن شهیدمان هم‌هست؛ کسی که بیشترین تلاش را از دهه اول انقلاب برای حفظ ارتش در مقابل نغمه‌های شوم انحلال آن و سپس برای ارتقای توانمندی‌های آن در جهات مختلف به‌عمل آورد».

در بخش دیگری از پیام آمده است: «خط ترقی توانمندی‌های مختلف این نهاد مردمی اصیل که از شرق تا غرب و از شمال

تا جنوب کشور را پاسداری می‌کند، باید به‌طور مضاعف پیگیری شود و به اذن الله در افق نزدیک تدابیر لازمه برای تحقق آن صادر خواهد شد».

ایشان در پایان با یادآوری نقش فرماندهان و شهیدان ارتش در پنج دهه اخیر، از چهره‌هایی همچون قرنی، فلاحی، نامجو، فکوری، بابانی، ستاری، اردستانی و صیاد شیرازی تا آخرین شهیدان نامدار آن سیدعبدالحجیم موسوی و عزیز نصیرزاده نام برده و درود خود را تثار همه مجاهدان، ایثارگران، جانبازان و خانواده‌های شهدا در ارتش جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند.

ادامه تیتربیک

امیر وطن پرست

شهادت سرلشکر موسوی در کنار رهبر انقلاب و سه تن دیگر از فرماندهان، نقطه آغاز روزهایی بود که کشور در تپ‌تاب حوادثی سنگین و بی‌درپی فرو رفت؛ روزهایی که خبرها یکی پس از دیگری می‌رسیدند و فرصت مکث، تحلیل و روایت آرام را از بین می‌بردند. آغاز دور تازه‌ای از تنش‌ها و حملات علیه ایران، در کنار فضای سنگین و اندوهی که پس از شهادت سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب، بر کشور سایه انداخته بود، شرایط را طوری شکل داده بود که در آن، حتی بزرگ‌ترین رویدادها هم در ازدحام خبرها و اضطراب عمومی کمرنگ می‌شدند. در چنین فضایی امکان آنکه بتوانیم به شکل دقیق و درخور شأن، به ابعاد شخصیتی و کارنامه امیرسپهبد شهید سیدعبدالحجیم موسوی بپردازیم، بریمان فراهم نشد. با این حال، روز ارتش بهانه‌ای شد تا به عقب برگردیم

و روی مسیری که در هیاهوی روزهای پر تنش گم شده بود، مکث کنیم و به مرور زندگی و کارنامه یکی از مهم‌ترین فرماندهان ارتش در دهه‌های اخیر بپردازیم؛ فرمانده‌ای که نامش در لایه‌های مختلف تاریخ معاصر نظامی کشور ثبت شده است.

سرلشکر سیدعبدالحجیم موسوی، از چهره‌های اثرگذار ارتش ایران بود که از رسته توپخانه در خطوط مقدم جنگ ایران و عراق آغاز کرد و در ادامه به عالی‌ترین جایگاه‌های ستادی و راهبردی در نیروهای مسلح رسید. او که سال‌ها مسئولیت‌های کلیدی از جمله فرماندهی کل ارتش و سپس ریاست

ستاد کل نیروهای مسلح را برعهده داشت، به‌عنوان یکی از نمادهای پیوند تجربه میدانی و مدیریت راهبردی در ساختار دفاعی کشور شناخته می‌شود. مسیری او از جبهه‌های غرب و جنوب‌غرب کشور تا رأس هرم فرماندهی نظامی، یکی از طولانی‌ترین و مستمرترین کارنامه‌های نظامی در چهار دهه اخیر به‌شمار می‌رود.

زندگی شخصی

سیدعبدالحجیم موسوی، در سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ در شهر قم متولد شد. از همان سال‌های کودکی با کار و تلاش آشنا بود و بنا بر روایت خودش، پدرش کارگاه ریسندگی داشته و از شش سالگی در آنجا کار کرده است. این تجربه اولیه از کار عملی، بعدها در روایت‌های شخصی او به‌عنوان بخشی از شکل‌گیری روحیه انضباطی و سخت‌کوشی‌اش مطرح می‌شود. به گفته خودش، در ۲۳ سالگی ازدواج کرده و حاصل آن دو فرزند پسر است. موسوی، مدرک داوری فوتبال و تجربه مربیگری داشت و می‌گفت به دلیل استرس شدید نمی‌تواند بازی‌های تیم ملی فوتبال را تماشا کند.

ورود به ارتش و حضور در جنگ

در سال ۱۳۵۸ وارد ارتش جمهوری اسلامی ایران شد و تحصیلات نظامی‌اش را در دانشکده افسری نیروی زمینی آغاز کرد. بعدها دوره‌های تکمیلی فرماندهی و ستاد (دافوس) را در سال ۱۳۷۶ گذراند و همچنین موفق به اخذ مدرک دکتری مدیریت دفاع ملی از دانشگاه عالی دفاع ملی شد؛ ترکیبی از آموزش‌های آکادمیک و تجربه میدانی که در کارنامه حرفه‌ای‌اش نقش مهمی داشت.

مهم‌ترین بخش شکل‌دهنده به هویت نظامی موسوی، دوران جنگ ایران و عراق بود. او در این دوره در رسته توپخانه ارتش و در جبهه‌های غرب (کردستان) و جنوب‌غرب (خوزستان) حضور فعال داشت. حضورش در عملیات‌هایی همچون الفجر ۴، والفجر ۹،



بیت‌المقدس ۵، قادر و نصر ثبت‌شده و مجموعاً حدود ۹۶ ماه سابقه حضور در مناطق عملیاتی دارد. این حضور طولانی‌مدت در خطوط جنگی باعث شد در زمره فرماندهانی قرار گیرد که تجربه مستقیم و میدانی‌اش از جنگ را در بالاترین سطح درک کرده‌اند. او همچنین جانباز جنگی محسوب می‌شود.

ارتقاء در ساختار ارتش پس از جنگ

پس از پایان جنگ، موسوی به سرعت در ساختار ارتش ارتقاء یافت و وارد مرحله‌ای شد که در آن نقش آموزش، سازماندهی و بازسازی ساختار ارتش اهمیت ویژه داشت و در سمت‌هایی همچون ریاست دانشگاه افسری امام علی (ع)، فرماندهی قرارگاه شمال‌شرق نزاجا و معاونت‌های آموزش و طرح و برنامه نیروی زمینی ارتش فعالیت کرد. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ ریاست ستاد مشترک ارتش را برعهده داشت. سپس در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ به‌عنوان جانشین فرمانده کل ارتش فعالیت کرد. در ادامه، در سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ نیز جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح بود؛ جایگاهی که او را به سطح هماهنگی میان نیروهای مختلف نظامی کشور نزدیک‌تر کرد.

فرماندهی کل ارتش

انتصاب او در ۳۰ مرداد ۱۳۹۶ به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح، نقطه‌عطفی در ساختار فرماندهی نظامی ایران بود، چراکه برای نخستین‌بار این جایگاه که پیش از این همواره در اختیار فرماندهان سپاه بود، به یک فرمانده ارتش واگذار شد و برخی از کارشناسان این تغییر را نشانه‌ای از بازتعریف نقش ارتش در ساختار نظامی ایران دانستند. این انتصاب با ارتقاء درجه او به سرلشکری همراه شد. در این دوره، او مسئول هدایت سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی ارتش بود و تمرکز اصلی‌اش بر افزایش آمادگی رزمی، توسعه توان بازدارندگی و تقویت هماهنگی میان یگان‌ها قرار داشت. در سال ۱۳۹۸ با

حفظ سمت، فرماندهی قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) هم به او سپرده شد؛ نهادی کلیدی در حفاظت از حریم هوایی کشور که نقش مهمی در ساختار دفاعی ایران دارد. او همواره در مصاحبه‌هایش بر مواضعش نسبت به اسرائیل تأکید کرده و می‌گفت که آرمان و آرزوی نابودی این رژیم است.

ریاست ستاد کل نیروهای مسلح

پس از شهادت سرلشکر محمد باقری در خرداد ۱۴۰۴ و در جریان جنگ ۱۲ روزه که اتفاقاً او هم جزو اهداف اولیه متجاوزان بود و در همان ساعات ابتدایی حملات رژیم صهیونیستی به کشورمان به شهادت رسید، موسوی با حکم رهبر شهید انقلاب به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد. این جایگاه، عالی‌ترین سطح هماهنگی میان تمامی نیروهای مسلح کشور محسوب می‌شود. او در این مسئولیت، عملاً در رأس هرم تصمیم‌گیری و راهبری دفاعی کشور قرار گرفت. موسوی در جریان حملات اخیر به ایران و در همین جایگاه به شهادت رسید؛ رویداد تلخی که به پایان کارنامه یکی از باسابقه‌ترین فرماندهان ارتش انجامید. کارنامه امیرسپهبد شهید سیدعبدالحجیم موسوی، ترکیبی از تجربه میدانی در جنگ، مسئولیت‌های آموزشی و فرماندهی در سطوح مختلف ارتش، و نهایتاً حضور در رأس ساختار راهبردی نیروهای مسلح است. او از نسل فرماندهانی بود که از پایین‌ترین سطوح عملیاتی تا بالاترین سطوح تصمیم‌گیری نظامی را طی کرد. از خط‌مقدم توپخانه در جبهه‌های جنگ تا ریاست ستاد کل نیروهای مسلح، مسیر او، نشان‌دهنده تداوم حضور در ساختار نظامی طی بیش از چهار دهه بود؛ حضوری که نامش را در تاریخ نظامی ایران به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته این ساختار برای همیشه ثبت کرد.



اتحاد چپ‌ها در مادرید

روسای جمهور برزیل، آفریقای جنوبی، مکزیک به دعوت رئیس‌جمهور اسپانیا در مادرید جمع شدند



گروه بین‌المللی: پدرو سانچز، رئیس‌جمهور اسپانیا و لویز ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، رهبری گروه‌های چپ‌گرایان جهانی را که در بارسلونا برگزار شد، برعهده گرفتند. این نشست‌ها که در روزهای جمعه و شنبه برگزار شدند، تلاشی برای دفاع از چندجانبه‌گرایی و بسیج جنبش‌های چپ‌گرا علیه راست افراطی به‌شمار می‌رفتند و از سوی اسپانیا و شبکه‌های سیاسی چپ‌گرا سازماندهی شده بودند. برگزارکنندگان هدف این گروه‌های چپ‌گرا را ایجاد یک بسیج مترقی جهانی اعلام کرده بودند تا با جمع‌آوری طرفداران ایده‌های چپ‌گرا به اعلامیه‌های مشترک در زمینه اهدافی همچون دفاع از دموکراسی و گذار سبز دست یابند. گروه‌های دوم با عنوان «دفاع از دموکراسی» توسط دولت اسپانیا برگزار شد و چهارمین بخش از اجلاس بود که از سال ۲۰۲۴ با ابتکار لولا و سانچز آغاز شده بود.

این جلسات در حالی برگزار شدند که کاهش سریع کمک‌های بشردوستانه، مداخلات نظامی و تهدیدهای دونالد ترامپ برای خروج از ناتو، نظم موجود روابط بین‌الملل را متزلزل کرده بود و باعث بازنگری در وفاداری‌های جهانی شده بود. سانچز با اتخاذ یکی از تندترین مواضع عمومی در اتحادیه اروپا نسبت به جنگ

دیپلماسی

آمریکا و اسرائیل در ایران، رهبری پاسخ منفی این قاره را به این بحران‌ها برعهده گرفت و در حال شکل‌دهی به سیاست‌های کلان اتحادیه اروپاست. او تنها مقام رسمی اروپایی بود که در چنین سطحی موضع شفاف‌تری اتخاذ کرده و نگرانی‌ها درباره تهدیدهای جهانی را آشکار ساخته بود.

هر دو رهبر از منتقدان صریح دولت ترامپ بوده و با چالش‌های فزاینده راست افراطی در انتخابات آینده، روبه‌رو بودند. لولا داسیلوا پیش از گردهمایی در مصاحبه‌ای با روزنامه اسپانیایی «ال پاپس» تأکید کرده بود که هدف این نشست ضدترامپ نخواهد بود و در کنفرانس خبری مشترک با سانچز گفته بود که تمرکز بر یافتن راه‌حل برای تقویت روند دموکراتیک در جهان است تا از هرگونه عقب‌گرد جلوگیری شود. او با اشاره به خطرات تاریخی چنین عقب‌گردهایی افزود: «زیرا وقتی عقب‌گرد وجود دارد، هیتلری اتفاق می‌افتد». سانچز نیز گفت که امیدوار است این رویداد زمینه اتحاد نیروهای مترقی جهان را فراهم کند و افزود: «اتحاد ما قدرت ما خواهد بود».

حضور سایر رهبران جهانی نیز در این مراسم، توجهات را جلب کرده بود. سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی که او نیز با ترامپ درگیر شده بود، و کلودیا شینبام، رئیس‌جمهور

پیشنهاد‌های جدید آمریکا به ایران

بیانیه شورای عالی امنیت ملی در خصوص آخرین وضعیت تنگه هرمز و آتش‌بس



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

تأکید شده است تا زمانی که آمریکا به آزادی کامل تردد شناورها از مبدأ به مقصد ایران و بالعکس پایان ندهد، این وضعیت شدیداً کنترل‌شده و بدون تغییر باقی خواهد ماند. همزمان با انتشار این خبر، رسانه آمریکایی اکسیوس به نقل از یک مقام نظامی ایالات متحده گزارش داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امروز (دو‌روز) دست‌کم سه حمله مستقیم به کشتی‌های تجاری در آب‌های تنگه هرمز انجام داده است. هرچند جزئیات بیشتری درباره نوع این حملات، تلفات یا خسارات احتمالی منتشر نشده، اما این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که از سوی دیگر، ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) با انتشار پیامی رسمی اعلام کرد که ایالات متحده همچنان در حال اجرای «محاصره دریایی اعلام‌شده علیه کشتی‌هایی است که به بنادر و مناطق ساحلی



ایران وارد یا از آنها خارج می‌شوند». سنتکام همچنین فاش کرد که ناو جنگی یواس‌اس کانبرا در چارچوب همین محاصره، در دریای عرب مشغول گشت‌زنی است و در جریان این عملیات تاکنون ۲۳ کشتی تجاری از دستورات آمریکا مبنی بر تغییر مسیر و بازگشت تمکین کرده‌اند. این آمار نشان‌دهنده اعمال فشار فزاینده بر خطوط کشتیرانی بین‌المللی است که قصد تردد به مقصد ایران را دارند.

در نقطه‌ای کاملاً متفاوت از میدان، دیپلماسی نیز در حال دویدن بر لبه تیغ است. خبر بسته شدن مجدد تنگه هرمز در حالی منتشر می‌شود که تنها ساعاتی پیش از آن، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، از بازگشایی این آبراه براساس نظارت سازمان بنادر و دریانوردی خبر داده بود. این تناقض آشکار میسان اظهارات عالی‌ترین مقام دیپلماتیک کشور و اطلاعیه نظامی قرارگاه خاتم‌الانبیا حاکی از تغییر سریع و بنیادین در رویکرد ایران طی ساعات گذشته است. این وضعیت در حالی است که به‌رغم خوش‌بینی اعلامی ترامپ نسبت به دستیابی به توافق با ایران، وضعیت دور بعدی گفت‌وگوها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه ایران، که در حاشیه نشستی در آنتالیای ترکیه صحبت می‌کرد، اعلام کرد هنوز تاریخی برای برگزاری دور دوم مذاکرات میان ایران و ایالات متحده تعیین نشده است. او صراحتاً «موضع زیادخواهانه آمریکا» را مانعی اساسی بر سر راه دستیابی به هرگونه توافق خواند. این موضع‌گیری همسو با گزارش پیشین خبرگزاری تسنیم

مکزیک، در گردهمایی شرکت کردند. این سفر شینبام به اسپانیا، اولین حضور یک رئیس‌جمهور مکزیک از سال ۲۰۱۸ بود که پس از سال‌ها تشریح بر سر میراث حکومت استعمار اسپانیا انجام شد. سانچز در جریان سفر خود به چین و دیدار با رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ بر اهمیت اتحاد احزاب و دولت‌های مترقی تأکید کرده بود و گفت که این اتحاد، پیام مهمی برای مردم، به‌ویژه در اسپانیا دارد و نشان می‌دهد که این کشورها فراتر از سیاست داخلی عمل می‌کنند.

در حالی که راست افراطی اروپا با شکست ویکتور اوربان رهبر ملی‌گرای مجارستان، در انتخابات اخیر یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های خود را از دست داده بود، سانچز این موضوع را فرصتی برای متوقف کردن موج راست افراطی دانست و گفت که

موفقیت مجارستان می‌تواند الگویی برای دیگر کشورها از جمله بلغارستان باشد که فردا انتخابات سراسری برگزار می‌کند.

در کنار رهبران سیاسی، حدود سه هزار نفر شامل رؤسای فعلی و سابق دولت‌ها، نزدیک به ۴۰۰ شهردار، اتحادیه‌ها، فعالان و نمایندگان احزاب سیاسی به مدت دو روز در این گردهمایی شرکت کردند که به میزبانی حزب سوسیالیست اسپانیا برگزار شد. سانچز و لولا داسیلوا برنامه اختتامیه این رویداد را برعهده داشتند و جیاکومو فیلیپیک، دبیرکل حزب سوسیالیست‌های اروپایی، با اشاره به حمایت نیروهای رادیکال از جنبش‌های راست افراطی گفت که این گردهمایی نشان داد، جایگزینی برای چنین نیروهایی وجود دارد و باید مسیر دیگری ارائه شود تا ارزش‌های مترقی در سطح جهانی تقویت شود.

آمریکای لاتین

مذاکره آمریکا و کوبا

آبادگی هاوانا برای تقابل با واشنگتن

اخیراً یک هیأت آمریکایی به پایتخت کوبا، هاوانا، سفر کرده و با مقام‌های دولتی آن کشور دیدار داشته است؛ حرکتی دیپلماتیک که با وجود تهدیدهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر مداخله، همچنان انجام می‌شود. همچنین میگل دیز-کانل، رئیس‌جمهور کوبا، هفته جاری اعلام کرد که کشورش در صورت رخ دادن چنین اقدامی آماده «جنگ» است. این خبرگزاری، شنبه به نقل از یک مقام وزارت خارجه آمریکا (که جمعه به‌شهرت آنکه نامش فاش نشود، صحبت کرد) نوشت که یک مقام ارشد این وزارتخانه، هفته گذشته با رانول گیگرو رودریگز کاسترو، نوه رهبر بازنشسته کوبا، رانول تردید کرده است. ترامپ که بار دیگر مسئله هسته‌ای را به‌عنوان مهم‌ترین مسئله مطرح و تأکید کرده «ایران هرگز صاحب سلاح هسته‌ای نخواهد شد»، پس از تهدید به ادامه محاصره دریایی در صورت عدم توافق، به یکباره مدعی شد که قرار است «خصوصاً ۲۷ ساله با ایران پایان یابد». وی در این رابطه گفت: «اوضاع با ایران به‌خوبی پیش می‌رود. چالش و گرفتاری ما با ایران ۴۷ سال به‌طول انجامیده است و این موضوع به پایان خواهد رسید». این در حالی است که ترامپ پیش‌تر اعلام کرده بود اگر تا چهارشنبه توافقی حاصل نشود، آتش‌بس احتمالاً تمدید نخواهد شد.

است که اعلام کرده بود مقام‌های جمهوری اسلامی فعلاً با برگزاری دور بعدی مذاکره با آمریکا موافقت نکرده‌اند. در همین حال، محمد اسحاق‌دار، وزیر امور خارجه پاکستان که کشورش نقش میانجیگر اصلی را در این مناقشه برعهده دارد، در جمع شرکت‌کنندگان مجمع دیپلماسی آنتالیای اظهار کرد که موضوع تحریم‌ها و مسدودیت دارایی‌های ایران در مذاکرات اسلام‌آباد حل و فصل شده است. وی تأکید کرد هدف پاکستان در روند میانجیگری، نه تمدید آتش‌بس موقت، بلکه توقف دائمی جنگ است که می‌تواند از طریق یک تفاهت‌نامه، یک چارچوب یا هر سازوکار دیگری محقق شود. با این حال، اظهارات ضدو تقیض رئیس‌جمهور آمریکا، فضا را بیش از پیش پیچیده کرده است. دونالد ترامپ طی دو روز گذشته موضعی به‌شدت متناقض اتخاذ کرده است. او از یک‌سو مدعی شده که ایران با تمام شروط آمریکا موافقت کرده و توافق حتمی است و از سوی دیگر در خصوص هرگونه توافق با ایران ابراز تردید کرده است. ترامپ که بار دیگر مسئله هسته‌ای را به‌عنوان مهم‌ترین مسئله مطرح و تأکید کرده «ایران هرگز صاحب سلاح هسته‌ای نخواهد شد»، پس از تهدید به ادامه محاصره دریایی در صورت عدم توافق، به یکباره مدعی شد که قرار است «خصوصاً ۲۷ ساله با ایران پایان یابد». وی در این رابطه گفت: «اوضاع با ایران به‌خوبی پیش می‌رود. چالش و گرفتاری ما با ایران ۴۷ سال به‌طول انجامیده است و این موضوع به پایان خواهد رسید». این در حالی است که ترامپ پیش‌تر اعلام کرده بود اگر تا چهارشنبه توافقی حاصل نشود، آتش‌بس احتمالاً تمدید نخواهد شد.

در تقابل مستقیم با این اظهارات، شبکه سی‌بی‌اس نیوز به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد که هنوز هیچ توافق میان تهران و واشنگتن درباره مدت زمان تعلیق غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران حاصل نشده است. بر اساس این گزارش، مذاکره‌کنندگان در حال بررسی چندین راهکار برای دستیابی به راه‌حلی مورد توافق دو طرف در خصوص ذخایر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالای ایران هستند. این در حالی است که مقام‌های ایران بارها تأکید کرده‌اند که اورانیوم غنی‌شده ایران به هیچ‌عنوان به هیچ‌کشوری از جمله آمریکا ارسال نخواهد شد؛ ادعایی که ترامپ به‌رغم این تأکیدات، باز هم آن را تکرار کرد. محمداقرا قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی که مسئولیت تیم مذاکرات اخیر ایران و آمریکا را نیز برعهده داشته، در واکنش به این اظهارات در حساب توییتری خود با شمارش شش نکته کلیدی نوشت: اول اینکه رئیس‌جمهور آمریکا در یک ساعت هفت ادعا مطرح کرد که هر هفت ادعا کذب است. دوم آنکه آمریکا با این دروغ‌گویی‌ها در جنگ پیروز نشد و در مذاکره هم راه به‌جایی نخواهد برد. سوم اینکه با ادامه محاصره، تنگه هرمز باز نخواهد ماند. چهارم اینکه عبور و مرور در تنگه براساس «مسیر تعیین‌شده» و با «مجاز ایران» انجام خواهد شد. پنجم اینکه باز با بسته بودن تنگه و مقررات آن در میدان مشخص می‌کند نه شبکه‌های اجتماعی. و ششم اینکه جنگ رسانه‌ای و مهندسی افکار بخش مهمی از جنگ است، اما ملت ایران تحت‌تأثیر این تردستی‌ها قرار نمی‌گیرد. جمع‌بندی این تحولات نشان می‌دهد که بسته شدن مجدد تنگه هرمز تنها یک اقدام نظامی با نماندن نیست، بلکه نمود عینی عمق اختلافات حل‌نشده و بی‌اعتمادی کامل حاکم بر روابط ایران و آمریکا است. پیچیده‌تر از همه، وضعیت مهم ذخایر اورانیوم ایران و اصرار تهران بر عدم خروج این ذخایر از کشور است. تداوم چنین فضایی، نه‌تنها چشم‌انداز هرگونه توافق کوتاه‌مدت را تیره می‌کند، بلکه راه بروزرفت از مرحله فعلی را برای هر دو طرف به‌طور فزاینده‌ای دشوار و پرهزینه خواهد کرد.

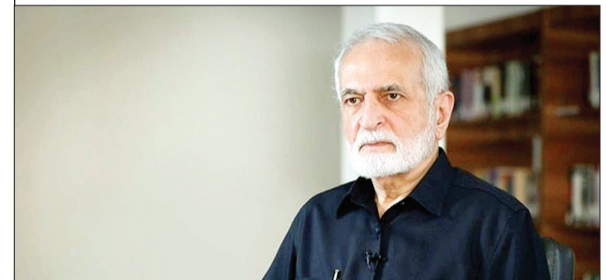
«رویبو» در این هیأت نمود
در همین ارتباط، یک مقام آمریکایی دیگر تأکید کرد که مارکو رویبو، وزیر خارجه آمریکا، در هیأت اعزامی به هاوانا حضور نداشته است. مقام‌های آمریکایی پیش‌تر گفته بودند که رویبو که از مدت‌ها قبل به‌عنوان یکی از چهره‌های تندرو و مخالف سیاست‌های ضدکوبا شناخته می‌شود و فرزند مهاجران کوبایی است، در فوریه/بهمن گذشته با کاسترو نوه در جزیره سنت‌کیتس و نویس (در دریای کارائیب) دیدار کرده بود. این مقام وزارت خارجه درباره محتوای این رایزنی‌های دیپلماتیک که «غیرعادی» توصیف شده، گفت: هیأت آمریکایی از کوبا خواسته است تغییرات گسترده در نظام اقتصادی و شیوه حکمرانی خود انجام دهد. همچنین این هیأت در گفت‌وگوها تأکید کرده که آمریکا اجازه نخواهد داد این کشور جزیره‌ای به «تهدیدی برای امنیت ملی در منطقه» تبدیل شود. آخرین باری که یک هوایمی دولتی آمریکا در کوبا فرود آمد، به سال ۲۰۱۶ بازمی‌گردد؛ دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما و روند عادی‌سازی روابط. این دیدار جدید نشان می‌دهد که دولت ترامپ با وجود تهدیدات نظامی به‌دنبال اعمال فشار از طریق دیپلماسی نیز هست. با این حال، با توجه به خواسته‌های حداکثری آمریکا (تغییر نظام سیاسی کوبا) و موضع قاطع دیاز کانل، به‌نظر نمی‌رسد که این گفت‌وگوها در کوتاه‌مدت به نتیجه ملموسی منجر شود.



وبترین: تازه‌های نشر

بررسی فرآیندهای ذهنی

تجدید چاپ نظریه‌های علم شناخت
با ترجمه شهید کمال خرازی

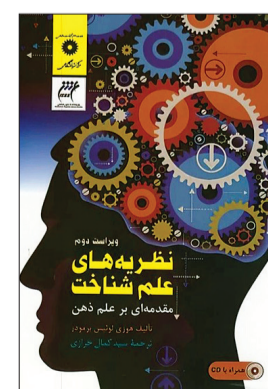


«نظریه‌های علم شناخت: مقدمه‌ای بر علم ذهن» تألیف هوزی لوتیس برمودز که سال‌ها پیش با دقت و تسلط ویژه توسط دکتر سیدکمال خرازی به زبان فارسی برگردانده شده بود، از سوی مرکز نشر دانشگاهی، به تازگی تجدید چاپ شده است. انتشار مجدد این کتاب در حالی صورت گرفته که جامعه علمی کشور در سوگ شهادت این پژوهش‌گر و سیاستمدار برجسته نشسته است. از دکتر خرازی ترجمه کتابی دیگر با عنوان «مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی» در سال ۱۳۸۶ در مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده بود.

«نظریه‌های علم شناخت» که حاصل سال‌ها تحقیق مؤلف آن در مفاهیم بنیادین علوم شناختی است، دریچه‌ای نو به سوی درک عمیق‌تر فرآیندهای ذهنی و معرفتی گشوده است و ترجمه آن به‌عنوان یکی از منابع قابل توجه در حوزه مطالعات ذهن و شناخت، شناخته می‌شود و در آن چارچوب‌ها و نظریه‌های بنیادین علم شناخت به شکلی جامع و در عین حال قابل فهم برای مخاطبان اراده می‌شود.

«علم شناختی»، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که به بررسی فرآیندهای ذهنی انسان مانند ادراک، حافظه، زبان، تفکر و حل مسأله می‌پردازد و درک عمیق آن برای پیشرفت در بسیاری از علوم، از روان‌شناسی و علوم کامپیوتر گرفته تا فلسفه و علوم اعصاب، حیاتی است. «علم شناختی» علم ذهن است. دانشمندان شناختی مانند هر حوزه علمی، مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات را دارند که سعی در حل آن‌ها دارند و مجموعه‌ای از پدیده‌هایی را که سعی در الگوسازی و توضیح آن‌ها دارند. این مشکلات و پدیده‌ها بخشی از آن چیزی است که «علم شناختی» را به یک رشته متمایز تبدیل می‌کند. هم‌چنین دانشمندان «علم شناختی» یا به عبارت دقیق‌تر «علوم شناختی» بسیاری از فرضیات اساسی در مورد چگونگی برطرف کردن مشکلات را به اشتراک می‌گذارند. آن‌ها درک بسیار کلی‌تری از ذهن و چگونگی کار کردن آن را به اشتراک می‌گذارند. اساسی‌ترین فرض محرک «علم شناختی» این است که ذهن پردازنده اطلاعات است. این ایده اساسی می‌تواند به روش‌های مختلفی ایجاد شود، زیرا روش‌های مختلفی برای تفکر درباره اطلاعات و نحوه پردازش آن‌ها توسط ذهن وجود دارد. ایده‌ها و جریان‌های فکری‌ای که در دهه‌های ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در مناطق بسیار متفاوت و به ظاهر نامربوط پدیدار شدند. این جریان‌ها از آزمایش‌های مربوط به حل مسأله در موش‌ها تا پیشرفت‌های اساسی در منطق ریاضی و از مطالعات ساختار گرامری زبان گرفته تا مدل‌های پردازش اطلاعات که چگونگی پردازش ورودی از حواس توسط ذهن است، شکل می‌گیرد. شکوفایی اولیه «علوم شناختی» در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با مجموعه‌ای از مطالعات قدرتمند و تأثیرگذار از جنبه‌های خاص عملکرد ذهنی مشخص شد. دهه‌های آخر قرن بیستم، برخی از فرضیات اساسی «پدران بنیان‌گذار» علوم شناختی را به چالش کشید. از آن جمله توسعه تکنیک‌های جدید برای مطالعه مغز بود که شامل امکان مطالعه پاسخ‌های نورون‌های عصبی و هم‌چنین نقشه‌برداری از الگوهای متغیر فعال‌سازی در نواحی مختلف مغز است.

هوزی لوتیس برمودز در بخش اول کتاب «نظریه‌های علم شناخت نکات برجسته تاریخی را بررسی می‌کند و این بخش شامل سه فصل «پیشینه تاریخی علم شناخت»، «تکامل علم شناخت: سه نقطه عطف مهم» و «گرایش به سوی مغز» است. بخش دوم به «چالش تلیفیک» اختصاص یافته و داری دو فصل «علم شناخت و چالش تلیفیک» و «مهار چالش تلیفیک» است. «مدل‌های پردازش اطلاعات در ذهن» عنوان فصل سوم کتاب است و در آن چهار فصل وجود دارد که عبارتند از: «سامانه‌های نماد فیزیکی و زبان فکر»، «کاربست پارادایم نمادها»، «شبکه‌های عصبی و پردازش توزیعی اطلاعات» و «مدل‌های شبکه‌های عصبی پردازش شناختی». بخش چهارم به «سازمان ذهن» اختصاص یافته و شامل سه فصل «سامانه‌های شناختی چگونه سازمان یافته‌اند؟»، «راهبردهای نقشه‌برداری مغز» و «یک مطالعه موردی: کاوش در ذهن خوانی» است. بخش پنجم هم «افق‌های جدید» نام دارد و دربرگیرنده سه فصل «افق‌های جدید: سامانه‌های پویا و شناخت موقعیتی»، «علم شناخت هشیاری» و «نگاه به آینده: چالش‌ها و کاربردها» است.



نظریه‌های علم شناخت

مقدمه‌ای بر علم ذهن
هوزی لوتیس برمودز
ترجمه کمال خرازی
مرکز نشر دانشگاهی
۷۶۴ صفحه
۵۷۰۰۰۰ تومان

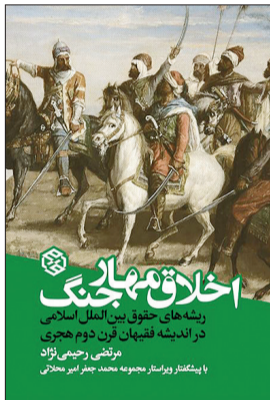
مدیریت جنگ با اخلاق علوی

بررسی بنیادهای سنت فقهی - اخلاقی اسلام برای مهار جنگ در کتاب اخلاق مهار جنگ

قرار گرفته و از طرفی جنگ ابتدایی با کفّار بی‌آزار تحریم شده است. محمدحسین کاشف الغطاء (۱۳۷۳ ق)، فقیه نواندیش نامدار شیعی، از زاویه دیگری همین نگره به جهاد را در عبارت زیر آشکار ساخته است: اسلام در اصلاح اجتماعی و عدالت‌گستری و برچیدن ستم و فساد، روش پایه پایه و تدریجی را به کار برده است.

در مرحله نخست با پند و اندرزهای نیک (موعظه حسنه) و دعوت آشتی‌جویانه، مردمان را راهنمایی می‌کند و ستم‌کاران را از ستم‌گری باز می‌دارد و اگر خودسری خودکامگان در مرحله نخست پایان نیافت، در مرحله دوم، با رویکردهای سلبی، همانند کناره‌گیری از ستم‌کاران، خواهان اصلاح و به سامان آوردن ستم‌کاران خواهد شد و اگر با این مرحله نیز، ستم‌کاران از ستم‌گری و دشمنان از دشمنی بازنیستادند، به ضرورت، باید دست به اسلحه برد و جهاد کرد. پس اسلام بر ستم‌کارانی شمشیر می‌کشد که با آیات و براهین الهی از ستم‌گری‌شان باز ننشسته‌اند و در راه دعوت به حق سنگ‌اندازی می‌کنند. اسلام سلاح را برای بازدارندگی از شر دشمنان - نه برای درآمدن مردم به اسلام - به کار گرفته است و خداوند فرموده است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنًا» یعنی قتال برای بازداشتن فتنه‌گران از فتنه‌گری است و برای گردن نهادنشان به دین و باور ایمانی نیست زیرا که ایمان و عقیده با جبر و اکراه پدید نمی‌آید. بنابراین اسلام از روی میل و اختیار دست به جنگ نمی‌زند، بلکه این دشمنان هستند که مسلمانان را به ضرورت، وادار به جنگ می‌کنند و چنین است که در جنگ و صلح، ویران کردن و سوزاندن و ستم‌خوردن و آب نرساندن به دشمن حرام شده است. آن‌گونه که کشتن زنان و کودکان و اسیران حرام گردیده است.

به مصداق قتال، جز به ضرورت دفاع از دین و مسلمانان برقرار نمی‌شود. در این باره فقیه و نویسنده‌ای معاصر نوشته است: «در ایامی که جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران جریان داشت، به جبهه رفقتم و تلخی و سوزندگی جنگ را با همه وجود خود لمس کردم و به قم که برگشتم تصمیم گرفتم، جهاد را مورد بحث اجتهادی قرار دهم و مجموعاً ۷۳ درس به سبک درس خارج در باب جهاد القا کردم و در طول بحث به این نتیجه رسیدم که جهاد به‌گونه‌ای که در قرآن و سیره پیامبر (ص) هست، با آنچه فقها در متون فقهی نوشته‌اند، در دو قطب مخالف قرار دارند و ۱۸۰ درجه با هم اختلاف دارند، زیرا آنچه فقها گفته‌اند این است که جهاد اصلی در اسلام است که دین با جنگ ابتدایی و قدرت اسلحه بسر مردمی که اسلام را قبول ندارند، اگرچه بی‌آزار باشند، تحمیل شود و این یک تکلیف الهی است، مانند نماز و روزه، در حالی که آنچه در قرآن و سیره پیامبر (ص) هست، این است که از طرفی خوش‌رفتاری و نیکی کردن با کفّار بی‌آزار مورد تشویق



اخلاق مهار جنگ

ریشه‌های حقوق بین‌الملل اسلامی در اندیشه فقیهان قرن دوم هجری

مرتضی رحیمی نژاد
نشر روزنه
۲۴۸ صفحه
۳۸۵۰۰۰ تومان

اصطلاح «اخلاق جنگ» شاید برای شنونده اصطلاحی متناقض و معماگونه به نظر برسد، چرا که اصولاً جنگ و منازعه اموری ضداخلاقی هستند، با این وجود چون تمدن‌ها و فرهنگ‌های کهن از دیرباز با پدیده جنگ روبه‌رو بوده‌اند، برای مهار و تخفیف خسارت‌های آن اندیشه‌ها و گزاره‌هایی را تحت‌عنوان «اخلاق جنگ» تدوین کرده و گسترش داده‌اند. بر این اساس می‌تواند گفت بهترین محک برای استواری یک نظام اخلاقی و بزرگ‌ترین چالش فراروی هر دین، در ساحت مهار خشونت و پاس‌داشت عدالت پدیدار می‌شود. لذا چگونگی مهار جنگ، چند و چون توان معنوی هر مکتب را تعیین می‌کند. کتاب «اخلاق مهار جنگ: ریشه‌های حقوق بین‌الملل اسلامی در اندیشه فقیهان قرن دوم هجری» داستان تلاش پنج فقیه و حقوق‌دان در قرن دوم هجری است که با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) نخستین نظام‌نامه‌های رفتار اخلاقی در جنگ را در تمدن اسلامی تدوین کردند. «اخلاق مهار جنگ» نوشته مرتضی رحیمی نژاد، پژوهش‌گر ارشد مرکز پژوهشی مجد شیراز و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دوره‌های خارج فقه و اصول و نیز دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته الهیات و معارف اسلامی است و انتشارات روزنه آن را با مقدمه و ویراستاری محمدجعفر امیر محلاتی، استاد صلح‌پژوهی دانشگاه اوبرلین منتشر کرده است.

سلاح برای بازدارندگی از شر دشمنان

واژه «جهاد» به سخت‌کوشی و به کار بردن تمام توان در انجام کاری معنا شد و این معنا چنان گسترده است که مصداق‌های گوناگونی را در خود جا می‌دهد و قتال، فقط، مصداقی از آن معناست و همه آن نیست و جهاد

گزارش: سینمای ایران

خرگوش‌ها و رولور قدیمی

نگاهی به فیلم «خرگوش سیاه، خرگوش سفید»: آخرین ساخته شهرام مکرری

سیاه، خرگوش سفید، فیلمی ۱۳۹ دقیقه‌ای است که شهرام مکرری در سال ۲۰۲۵ ساخته است. در داستان جسورانه و ساختارشکنانه کارگردان ایرانی، شهرام مکرری، همه چیز در همه جا و در عین حال نه کاملاً همزمان رخ می‌دهد؛ فیلمی که عمدتاً در صحنه‌ها و پشت‌صحنه‌های یک استودیوی فیلمسازی فرسوده در تاجیکستان جریان دارد. در بیشتر زمان طولانی فیلم، این اثر یک تجربه متافیزیکی جذاب است که داستان سه شخصیت مضطرب و جست‌وجوگر را پیرامون یک «مک‌گافین» (عنصر محرک داستان) یعنی یک رولور قدیمی به هم می‌پیچد.

فیلم «خرگوش سیاه، خرگوش سفید» که به عنوان نماینده رسمی تاجیکستان برای اسکار انتخاب شده بود، اکنون در بخش مسابقه جشنواره درای سرخ نیز به‌نمایش درآمده است.

آخرین فیلم مکرری

جدیدترین فیلم از شهرام مکرری، یک داستان مرموز و شنبیه آتار «ام. سی. اشر» درباره واقعیت و توهم، دوگانگی‌ها، همزادها و همزمانی‌های عجیب است. داستان شامل روایت‌هایی در دل روایت‌های دیگر است که در جریان تولید فیلمی توسط کارگردانی بهنام «شهرام» رخ می‌دهد و مرز میان فیلم و واقعیت را کاملاً محو می‌کند. اسلحه‌ها در «خرگوش سیاه، خرگوش سفید» نقشی عجیب و شبه‌عرفانی دارند. در صحنه فیلمبرداری، ما با «بابک»، مسئول سلاح‌ها (آرمورست) آشنا می‌شویم که توسط بازیگر سرشناس ایرانی، بابک کریمی بازی می‌شود. این پروژه، چهلین فیلم اوست و او دچار این ترس شده که مثل استادش که در فیلم چهلش در یک انفجار کشته شد، خودش هم تا پایان روز زنده نماند. او زیر لب می‌گوید: «یک چیز مهم فهمیده‌ام: اینجا یک رولور (هفت‌تیر) وجود دارد که به‌دنبال انتقام است». در این فیلم به‌تدریج عناصر خیال‌انگیز وارد داستان می‌شوند، مانند رویاهایی که به واقعیت نشست می‌کنند: یک فنجان قهوه عظیم که خودبه‌خود در صحنه حرکت می‌کند، اشیایی بی‌جان که درباره یک تفنگ ایتالیایی «انتقام‌جو» صحبت می‌کنند، بازیگری تازه‌کار که در تست بازیگری‌اش جسادو انجام می‌دهد و یک خرگوش سفید و یک خرگوش سیاه ظاهر می‌شوند.

شهرام مکرری با ساخت فیلم‌های کوتاه متفاوت و تجربی در سینمای ایران مطرح شد و سه فیلم کوتاه ابتدایی او «طوفان سنجاقت» (محصول ۲۰۰۲ با زمان ۱۵ دقیقه)، «محدوده دایره» (۲۰۰۵ با زمان ۱۵ دقیقه) و «آندو-سی» (۲۰۰۷ با زمان ۱۵ دقیقه)، به‌شدت در میان منتقدان و محافل آکادمی سینمایی ایران، مورد توجه قرار گرفتند. او سپس اولین فیلم بلند سینمایی‌اش را در سال ۱۳۸۶ ساخت که بعد از هشت سال، اجازه اکران پیدا کرد. در سال ۱۳۹۲ فیلم «ماهی و گریه» از او در بخش سینمای هنر و تجربه اکران شد و توجه مخاطبان جدی سینما را جلب کرد. او در سال ۱۳۹۶ فیلم «هجوم» را ساخت که در جشنواره برلین به نمایش درآمد و در سال ۱۳۹۸ «جنایت بی‌دقت» که به فاجعه سینما رکس آبادان می‌پرداخت را کارگردانی کرد.

آخرین فیلم او «خرگوش سفید، خرگوش سیاه» در سال ۱۴۰۳ ساخته شده است. لی مارشال، نویسنده اسکرین‌دیلی در یک نقد گزارشی درباره این فیلم نوشته است: «خرگوش



گزارش: نمایش

مهم‌ترین چهارراه تهران

به بهانه نمایش فیلم‌تئاتر «چهارراه»
آخرین ساخته استاد

فیلم‌تئاتر «چهارراه» نوشته بهرام بیضایی، روز سه‌شنبه اول اردیبهشت در سالن شماره ۲ مجموعه تئاتر لیخند اکران خواهد شد. براساس گزارش‌های خبری و طبق اعلام مجموعه تئاتر لیخند، این اثر ۲ ساعت قرار است به نمایش درآمده و پس از اکران آن، نشست نقد و بررسی با حضور افرادی چون محمد رضایی‌راد و میزبانی عباس غفاری برگزار شود. براین اساس قرار است این فیلم‌تئاتر روز سه‌شنبه در مجموعه تئاتر لیخند اکران شود.

درباره چهارراه

«چهارراه» نمایشنامه‌ای است که بهرام بیضایی در سال ۱۳۸۸ به نگارش درآورد اما برای روی صحنه بردن آن ۹ سال انتظار کشید و سرانجام آن را در خارج از ایران با کارگردانی خودش به‌نمایش درآورد. چهارراه آخرین نمایشنامه‌ای است که بیضایی در زمان حضورش در ایران نوشت و درباره ریشه‌های پیدایش این نمایشنامه گفته است که چهارراه ریشه در نمایشنامه دوپرده‌ای گمشده‌اش رگبار از تابستان ۱۳۴۲ دارد. با این وجود متن نمایشنامه «چهارراه» در زمستان ۱۳۹۸ منتشر شد.

داستان نمایش

داستان چهارراه در حدود سال ۱۳۸۰ هجری شمسی و در یک چهارراه شلوغ در تهران می‌گذرد. محور اصلی روایت، دیدار دوباره یک زن و مرد جداافتاده پس از پانزده سال است. جدایی‌ای که ناشی از تحولات شخصی و اجتماعی گسترده بوده است. نمایش به شکلی شاعرانه، تأثیرات سال‌ها آشوب، استبداد، مصرف‌گرایی، ملی‌گرایی سطحی و ریاکاری را بر یک نسل و فراتر از سرنوشت فردی شخصیت‌های اصلی بررسی می‌کند. این اثر پیش از اجرای استنفورد نه منتشر شده بود و نه روی صحنه رفته بود و در راستای شیوه کاری بیضایی، اثری درون‌گرا و مرتبط با تنش‌های فرهنگی و سیاسی ایران محسوب می‌شود. در این نمایشنامه نهال فزونی، آموزگاری که می‌خواسته بازیگر شود و اینک منتظر نامهربان است تا نامه‌اش را پس بگیرد، و سارنگ سهرش، که بی‌خانمانی است که می‌خواسته نویسنده شود و اینک از زندان آزاد شده، پس از پانزده سال در چهارراهی (ظاهراً در تهران) بهم می‌رسند و رازهایی را درباره گذشته‌شان کشف می‌کنند: از این که سارنگ از عروسی با نهال به خارج نگرینخته بوده، بلکه زندانی بوده و جبراً معترف، تا اینکه دوست مشترک کودکی‌شان، که چهارده نام دارد و اینک شوهر نهال است و در خارجه منتظرش و مسئول هرچه بر ایشان رفته، بوده است. سرانجام هجده‌چرخ، که راننده‌اش در جست‌وجوی رفیق‌اش بوده است، سارنگ را در چهارراه زیر می‌گیرد و می‌کشد و نهال از بردن پسرش، که معلوم می‌شود از سارنگ بوده، به خارجه منصرف می‌شود.

آخرین اثر استاد

روی بروشور اجرای چهارراه در دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۱۸ نوشته شده که بهرام بیضایی طرح اصلی نمایش را در تابستان سال ۱۳۴۲ نوشته است و همان تم را بعدها در بسیاری از کارهایش به‌خصوص فیلم «رگبار» محصول سال ۱۳۵۱ تکرار کرده است: «چهارراه آخرین نمایشنامه‌ای بود که من در ایران نوشتم، سال هشتاد و هشت خورشیدی و هنوز صحبتی از سفری به هیچ‌جا نبود. اما شگفت که چهارراه از سفری می‌گوید که نهال فرخی به آن مطمئن نیست و سارنگ سهرش از سفری می‌آید که هرگز به آن نرفته بوده است». این را خود بیضایی درباره نمایشنامه چهارراه گفته بود که هیچگاه فرصت نیافت در ایران و برای مخاطبان پرشمار و علاقه‌مندانش روی صحنه برود.

در نمایش اجرا شده در استنفورد نقش اصلی مانند اغلب آثار موخر بهرام بیضایی، برعهده شمسایی همسرش بود که مدیریت تولید و دستیاری کارگردان پروژه را نیز برعهده داشت. برخی از منتقدان این اثر را تلخ‌ترین نمایشنامه بیضایی می‌دانند اما خودش دلایلی برای این میزان خشم و تلخی دارد: «نهال فزنی بازیگر آینده‌داری که همان آغاز کارش حذف شده و حالا برخلاف ظاهرش خانم معلم تتهای دلسردی است، در نمایش می‌گوید زیاد مرتب نیست، فکریهای توی سرم می‌آد و می‌ره و جابه‌جا می‌شه! باغ از او گم شده، عشق از او گرینخته، و شوهر ناخواسته‌اش را سفر با خود برده. می‌گوید باید کار کنم تا پول دواهامو درآزم! شرایط از او یک روان‌پریش ساخته که هنوز هم گاهی برای دلخوشی یادداشتک‌های نمایشی برای خودش خط‌خطی می‌کند. در «چهارراه» چندتای آنها را از زبان خودش می‌شنویم: داستان بازیگر کنار نهاده‌ای که هنوز گاهی به دیدن خواب صحنه از خواب می‌پرد هراسان که مبدا نقش‌یادش رفته باشد. پیداست که این داستان خودش است. چندتای دیگر که گفتم گردآرد همین داستان است: داستان پرستاری که برای گریز از هر مشکل، گیر مشکل تازه‌ای می‌افتد». او همچنین می‌گوید: «زندگی آمیزه طنز و فاجعه است و این گیجی هم که تاریخ ماست! برای خنده یا اشک‌ریختن در «چهارراه» یا هر چهارراهی راحت باشید: اگر گیجید از گیجی در برابر گوهر واقعیت است؛ هرچه ازتان بترآود همان. بگذارید نمایش هر دو وجه زندگی را در یک لحظه بهتان نشان بدهد؛ و گیجی خودتان را ارج بگذارید وقتی در برابر این تضاد بر می‌آشوبید!»



خشم و رفتارهای فردی نیز حکمت‌آموز است و می‌تواند به خوانندگان کمک کند تا در زندگی روزمره خود نیز به اصول اخلاقی توجه بیشتری داشته باشند. در واقع مطالب آن نه فقط برای سیاست‌مداران، حقوق‌دانان یا پژوهش‌گران دین، بلکه برای هر انسانی که دغدغه اخلاق در جهان پرآشوب امروز را دارد، این اثر می‌تواند الهام‌بخش و تأمل‌برانگیز باشد. مهار خشونت، امروز نیز یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ماست و این کتاب، آینه‌ای است برای دیدن ظرفیت‌های معنوی ادیان در مواجهه با این بحران جهانی.

کنار بررسی دقیق سنت اسلامی، کتاب نهم‌نگاهی تطبیقی به سنت مسیحی دارد؛ از آموزه «همسایه‌ات را دوست بدار» تا نظریه‌های جنگ عادلانه در اروپا که پس از قرن‌ها خشونت بی‌مهار، سرانجام در قرون میانه به صورت نظام‌مند درآمدند. نویسنده با ارجاع به آثاری چون دکرتوم و اقدامات نهادهای شوالیه‌گری، نشان می‌دهد چگونه عدالت پیشا جنگ و عدالت درون جنگ به تدریج جایگاه مستقلی در اندیشه غربی پیدا کرد. کتاب «اخلاق مهار جنگ» نه تنها برای کشورها و ارتش‌ها، بلکه برای کنترل

اخلاق جنگ در تشیع

محمدجعفر امیر محلاتی در پیش‌گفتار کتاب اشاره می‌کند که «اخلاق مهار جنگ» دفتر نخست مجموعه آثاری است که از منظر تطبیقی بین رشته‌ای، بین ادبانی و بین‌المللی به نقش فرهنگ‌های جهانی در اخلاق جنگ و صلح می‌نگرد و در ادامه می‌نویسد: «دفتر حاضر تلاشی است آکادمیک برای بررسی بنیادهای سنت فقهی - اخلاقی اسلام برای مهار جنگ و خشونت که به انگیزه پر کردن بخشی از خلأهای علمی در اخلاق جنگ به زبان فارسی تدوین شده است تا به غنای برنامه‌های صلح‌پژوهی دانشگاه‌های فارسی‌زبان در سراسر جهان کمک کند.» محلاتی در بخشی از پیش‌گفتارش با اشاره به «اخلاق جنگ در تشیع» می‌نویسد: «به گمان نگارنده گرچه هر چهار جنگ عمده‌ای که به امامان شیعه تحمیل گردید، یعنی جنگ‌های صفین، جمل، نهروان و کربلا به‌واقع آینه تمام‌نمای اخلاق شیعی است، جای بسی تأسف است که هنوز یک کتاب منسجم در این مورد به‌طور تحلیلی و با رویکرد آکادمیک نوشته نشده است... نکته دیگری که برای پژوهش اخلاق جنگ در فرهنگ‌های اسلامی، شیعی و ایرانی اهمیت تام دارد این است که فرهنگ اخلاق مهار جنگ را نه تنها در کتاب‌های فقهی بلکه در همه منابع فلسفی، هنری، کلامی، اخلاقی، ادبیات و تاریخ‌نگاری دنبال کنند.» به اعتقاد محلاتی چالش دیگری که فرآوری اعمال گزاره‌های اخلاقی در جنگ قرار دارد، ضرورت درک تغییرات گسترده ساحت‌ها، ابزارها و شیوه‌های جنگ‌ها است. به‌عنوان مثال عاملیت مستقیم در جنگ‌ها با ظهور جنگ‌های پیهادی تغییر اساسی یافته است.

مرتضی رحیمی‌نژاد، نویسنده «اخلاق مهار جنگ» با استفاده از آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر اسلام (ص)، به بررسی چالش‌های اخلاقی در ساحت جنگ می‌پردازد و به خوانندگان کمک می‌کند تا درک بهتری از این موضوعات پیدا کنند و با تحولات فکری در این زمینه آشنا شوند. با توجه به چالش‌های کنونی در زمینه جنگ و صلح، این کتاب به بررسی تأثیرات جنگ بر جوامع و ضرورت اخلاق در رفتارهای نظامی می‌پردازد. این موضوعات به ویژه در دنیای امروز که جنگ‌ها و بحران‌ها به شدت بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند، اهمیت زیادی دارد. در

اثری بیشتر جذاب تا دراماتیک

این فیلم جاه‌طلبانه و طنزآمیز، با ساختاری ماریچی و رو به‌درون، در نهایت شاید از نظر دراماتیک کاملاً رضایت‌بخش نباشد، اما آنقدر خلاق، متفاوت و هوشمندانه است که برای علاقه‌مندان سینمای هنری جهانی جذاب باشد. در بهترین حالت، این فیلم ترکیبی از «بازیکن»، ساخته رابرت آلمن و «هشت‌و نیم» فدریکو فلینی است که به آسیای مرکزی منتقل شده است. در پیچیده‌ترین لحظاتی، همچنان به شکلی سرسختانه قابل تماشا باقی می‌ماند.

حضور در جشنواره‌ها

این فیلم به‌عنوان نماینده رسمی تاجیکستان برای جوایز اسکار انتخاب شد و سپس در بخش مسابقه جشنواره دریای‌سرخ نمایش داده شده است. پیش از آن نیز در جشنواره‌های پوسان (با دریافت جایزه بخش چشم‌انداز آسیا)، لندن، شیکاگو و سنگاپور حضور داشته است. این مسیر جشنواره‌ای، همراه با جسارت فیلم در ترکیب ژانرهای مانند علمی-تخیلی و وحشت، آن را برای بخش‌کنندگان سینمای هنری به اثری جذاب و متفاوت تبدیل کرده است.



ساختار روایی و ایده اصلی

فیلم با یک نقل قول از آنتوان چخوف آغاز می‌شود: اگر تفنگی در صحنه وجود دارد، باید در نهایت شلیک شود. همانند فیلم «ماهی و گربه» (۲۰۱۳)، مکرری روایت را مانند یک مسابقه امدادی سینمایی بین شخصیت‌ها جابه‌جا می‌کند و با پرش‌های زمانی، روایت را به شکل یک نوار مویوس سینمایی درمی‌آورد.

داستان‌ها و شخصیت‌ها

فیلم شامل یک پیش‌درآمد، چهار فصل و یک پس‌درآمد است. سارا (هستی محمدی): زنی که پس از تصادف رانندگی با باندیچی کامل دیده می‌شود و به‌نظر می‌رسد توانایی‌های عجیبی پیدا کرده است. این بخش ابتدا به‌صورت یک برداشت (سکانس) پیوسته فیلمبرداری شده و بعدها مشخص می‌شود یکی از دو فیلمی است که همزمان در دو بخش یک استودیو ساخته می‌شوند. پروژه دیگر، بازسازی سریال حماسی هزارستان است؛ اثری تاریخی درباره شکل‌گیری یک ملت که در سال‌های ابتدایی استقرار جمهوری اسلامی به پدیده‌ای فرهنگی تبدیل شد.

بابک کریمی (بازیگر فیلم «جدایی نادر از سیمین» و «ماهی و گربه»)، نقش بابک را بازی می‌کند که مسئول وسایل صحنه و سلاح‌ها است. او در تلاش است کارگردان فیلم را پیدا کند تا یک اسلحه را برای صحنه قتل نهایی تحویل دهد، اما مدام در مسیرش با بازیگری تازه‌کار روبه‌رو می‌شود که به‌شدت دنبال گرفتن نقش در فیلم مکرری است. این بازیگر در تست بازیگری، با ترندهای شیعده‌بازی (ازجمله بیرون آوردن خرگوش از کلاه) سعی در جلب توجه دارد؛ خرگوش‌هایی که بعدها به شکل‌های مختلف در فیلم تکرار می‌شوند.

الهامات و لایه‌های بینامتنی

فیلم به‌طور غیرمستقیم به نمایشنامه «خرگوش سفید، خرگوش قرمز» اثر نسیم سلیمان‌پور اشاره دارد؛ نمایشی تجربی که هر بار توسط بازیگری متفاوت بدون خواندن قبلی اجرا می‌شود و به موضوعاتی مانند کنترل و سانسور می‌پردازد.

سبک و مضمون

فیلم به‌ظاهر درباره تلاش یک مسئول سلاح برای جلوگیری از یک ترازوی است، اما به مرگ واقعی فیلمبردار هالیوودی، هالینا هاجینز (در فیلم «راست») نیز به شکلی گذرا اشاره می‌کند. موسیقی پیمان یزدانیان، حالتی طنزآمیز و ناهماهنگ دارد و فضای فیلم را بین کم‌دی تلخ و سوررئالیسم معلق نگه می‌دارد.

فیلم «خرگوش سیاه، خرگوش سفید» یک کم‌دی انسانی تلخ و خلاقانه است که از ساختار «فیلم در فیلم» استفاده می‌کند تا هم مخاطب را سرگرم کند و هم شخصیت‌ها را در چرخه‌های تاریخی و سرنوشت گرفتار نشان دهد. نجات یا رهایی در فیلم شاید در جهانی فراتر از ادراک منطقی باشد؛ جهانی که در آن نیروهای ماورائی، نورهای عجیب پیرامون سارا، و حتی اشیای صحنه که شروع به صحبت می‌کنند، نقش دارند.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

به وقت بازسازی

| |
|--|
| <div><div> </div><div><div> </div><div>آیا بنگاه‌های ایرانی می‌توانند از بازسازی منطقه سهمی ببرند؟</div></div></div> |
| محمود صنعتی |
| <div><div> </div><div><div> </div><div>تحلیلگر اقتصاد</div></div></div> |

بهترین فرصت‌ها در بدترین شرایط به‌وجود می‌آیند. جنگ فرصت‌های خیلی خوبی برای پیمانکاران بزرگ ایران فراهم کرده و اگر توافقی صورت گیرد و شرایط فراهم شود، چراکه نه؟ بدون تردید، بخش خصوصی ایران در حوزه‌های مختلف صنعتی، عمرانی و خدمات مهندسی از ظرفیت‌های قابل‌توجهی برخوردار است. ظرفیت‌هایی که در صورت فراهم بودن شرایط مناسب، می‌توانند در بازسازی کشورهای جنگ‌زده منطقه نقش‌آفرینی کنند. تجربه چند دهه فعالیت در پروژه‌های بزرگ داخلی، از ساخت سد و نیروگاه گرفته تا توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل و صنایع نفت و گاز نشان می‌دهد که شرکت‌های ایرانی از نظر دانش فنی، نیروی انسانی متخصص و توان اجرایی، در سطحی قرار دارند که می‌توانند در پروژه‌های بازسازی منطقه‌ای مشارکت داشته باشند اما آیا شرایط برای حضور ابرپیمانکاران ایرانی در منطقه خلیج‌فارس مهیا می‌شود؟ پاسخ به این پرسش خیلی سخت است، اما بیایید قبل از آن، مزیت‌های بخش خصوصی ایران را مرور کنیم. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های بخش خصوصی ایران، وجود نیروی انسانی متخصص و نسبتاً آرزاتر در مقایسه با بسیاری از کشورهای رقیب است. مهندسان، تکنسین‌ها و کارگران ماهر ایرانی در پروژه‌های بزرگ داخلی و حتی برخی پروژه‌های خارجی، تجربه کسب کرده‌اند و این موضوع می‌تواند هزینه‌های اجرای پروژه‌ها را برای کارفرمایان کاهش دهد. در شرایطی که کشورهای جنگ‌زده معمولاً با محدودیت منابع مالی مواجه هستند، این مزیت می‌تواند یک عامل تعیین‌کننده در انتخاب پیمانکاران باشد. علاوه بر این، نزدیکی جغرافیایی ایران به بسیاری از کشورهای آسیب‌دیده در منطقه، مانند عراق، سوریه و افغانستان، یک امتیاز مهم محسوب می‌شود. این نزدیکی نه‌تنها هزینه‌های حمل‌ونقل و لجستیک را کاهش می‌دهد، بلکه امکان نظارت بهتر بر پروژه‌ها و اجرای سریع‌تر آنها را نیز فراهم می‌کند. همچنین، اشتراکات فرهنگی و زبانی در برخی از این کشورها می‌تواند به تسهیل ارتباطات و پیشبرد پروژه‌ها کمک کند. با این‌حال تبدیل این ظرفیت بالقوه به حضور مؤثر در بازار بازسازی منطقه با چالش‌های جدی همراه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی است که دسترسی شرکت‌های ایرانی به منابع مالی، سیستم‌های بانکی بین‌المللی و برخی فناوری‌های پیشرفته را دشوار کرده است. در بسیاری از پروژه‌های بازسازی، تأمین مالی از طریق بانک‌های بین‌المللی یا نهادهای چندجانبه انجام می‌شود و شرکت‌هایی که به این شبکه‌ها دسترسی ندارند، در موقعیت رقابتی ضعیف‌تری قرار می‌گیرند. مسئله دیگر، رقابت شدید با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی است. شرکت‌هایی از کشورهای مختلف، به‌ویژه چین، ترکیه و کشورهای اروپایی، به‌طور فعال در بازار بازسازی حضور دارند و از حمایت‌های مالی و سیاسی دولت‌های خود برخوردارند. این شرکت‌ها معمولاً توانایی ارائه بسته‌های کامل شامل تأمین مالی، طراحی، اجرا و حتی بهره‌برداری را دارند، در حالی که بسیاری از شرکت‌های ایرانی در ارائه چنین بسته‌های جامعی با محدودیت مواجه هستند. از سوی دیگر، ریسک‌های سیاسی و امنیتی در کشورهای جنگ‌زده نیز یکی از موانع مهم برای حضور شرکت‌های ایرانی است. بی‌ثباتی سیاسی، تغییرات ناگهانی در قوانین و مقررات، و تهدیدهای امنیتی می‌تواند اجرای پروژه‌ها را با مشکل مواجه کند و هزینه‌ها را افزایش دهد. در چنین شرایطی، شرکت‌هایی موفق‌تر خواهند بود که بتوانند این ریسک‌ها را مدیریت کنند یا از حمایت‌های دولتی و بیمه‌ای مناسب برخوردار باشند. با وجود این چالش‌ها، فرصت‌هایی نیز برای ایران وجود دارد که در صورت برنامه‌ریزی دقیق می‌توان از آنها بهره‌برداری کرد. یکی از این فرصت‌ها، استفاده از دیپلماسی اقتصادی فعال برای ایجاد بستری همکاری با کشورهای هدف است. توافقات دو جانبه یا چندجانبه، ایجاد سازوکارهای مالی مشترک و تسهیل صدور خدمات فنی و مهندسی می‌تواند مسیر حضور شرکت‌های ایرانی را هموارتر کند. همچنین، تقویت کنسرسیوم‌های داخلی و همکاری بین شرکت‌های ایرانی می‌تواند توان رقابتی آنها را افزایش دهد. در بسیاری از پروژه‌های بزرگ بازسازی، نیاز به مجموعه‌ای از خدمات مختلف وجود دارد و همکاری چند شرکت در قالب یک کنسرسیوم می‌تواند امکان ارائه خدمات جامع‌تر را فراهم کند. این رویکرد همچنین می‌تواند به تقسیم ریسک و استفاده بهتر از منابع کمک کند. نکته مهم دیگر، تمرکز بر حوزه‌هایی است که ایران در آنها مزیت نسبی دارد. برای مثال، در بخش‌هایی مانند ساخت‌وساز، راه‌سازی، انرژی و برخی صنایع پایین‌دستی نفت و گاز، شرکت‌های ایرانی تجربه و توانمندی قابل‌توجهی دارند. تمرکز بر این حوزه‌ها می‌تواند شانس موفقیت را افزایش دهد، به‌ویژه اگر با قیمت رقابتی و کیفیت مناسب همراه باشد. در نهایت، می‌توان گفت که ایران از نظر فنی و انسانی ظرفیت حضور در بازسازی کشورهای جنگ‌زده منطقه را دارد، اما تحقق این ظرفیت نیازمند رفع یک کاش موانع موجود، به‌ویژه در حوزه مالی و بین‌المللی، و همچنین اتخاذ راهبردهای هوشمندانه برای رقابت در این بازار پیچیده است. اگر این شرایط فراهم شود، شرکت‌های ایرانی می‌توانند نه‌تنها سهمی از بازار بازسازی منطقه به‌دست آورند، بلکه از این طریق به رشد اقتصادی کشور و افزایش حضور ایران در عرصه اقتصادی منطقه‌ای نیز کمک کنند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

برندگان اقتصادی جنگ

تخریب گسترده خاورمیانه چگونه به‌سود اقتصاد آمریکا تمام می‌شود؟

| |
|---|
| <div><div> </div><div><div> </div><div>مهتا معرفت</div></div></div> |
| <div><div> </div><div><div> </div><div>متروخم</div></div></div> |

جنگ بازنده‌های زیادی دارد. مردم بزرگ‌ترین بازنده جنگ هستند چراکه حتی هزینه بازسازی هم از جیب آنها برداشت می‌شود. خانه‌هایی که فرو می‌ریزند و زنان و مردان و کودکانی که زیر آوارها می‌مانند و جان می‌بازند. ساختمان‌هایی که تخریب می‌شوند و شاید دیگر هرگز ساخته نشوند. پل‌هایی که باید با هزینه‌های گزاف ساخته شوند و کارخانه‌هایی که شاید تا مدت‌ها چرخ‌شان نخرد. همه اینها زیان‌هایی است که به مردم وارد می‌شود اما جنگ برای بعضی‌ها نان خوبی دارد و خیلی‌ها جیب‌شان را هم آماده کرده‌اند. فکرش را بکنید، این همه خرابی در خاورمیانه را چه کسی باید ترمیم کند؟ چقدر بودجه و چقدر زمان نیاز است تا خرابی‌ها ترمیم شود؟ این گزارش سعی می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که سود بازسازی کشورهای جنگ‌زده به جیب کدام کشورها می‌رود؟

برنده بزرگ بازسازی

در روزهای اخیر، برخی تحلیلگران و ناظران سیاسی این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا بی‌ثباتی و تخریب زیرساخت‌ها در خاورمیانه می‌تواند در نهایت به سود اقتصاد ایالات متحده آمریکا تمام شود یا خیر. این دیدگاه بر این فرض استوار است که الگوی تاریخی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا ممکن است به شکلی مشابه در خاورمیانه تکرار شود. یعنی منطقه‌ای که بر اثر جنگ و درگیری ویران شده، در نهایت به عرصه‌ای برای سرمایه‌گذاری و بازسازی توسط قدرت‌های خارجی، به‌ویژه آمریکا، تبدیل شود. این موضوع خیلی مهمی است که باید به‌طور دقیق آن را بررسی کنیم. پس از پایان جنگ جهانی دوم اروپا به‌ویژه در بخش غربی خود با ویرانی‌های گسترده‌ای مواجه بود. زیرساخت‌های حیاتی از جمله پل‌ها، کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل به‌شدت آسیب دیده بودند. در چنین شرایطی ایالات متحده با اجرای طرحی موسوم به‌طرح مارشال وارد میدان شد و با تزریق سرمایه و ارائه کمک‌های مالی و فنی، نقش مهمی در بازسازی اروپای غربی ایفا کرد. این اقدام علاوه بر اهداف سیاسی و امنیتی، برای اقتصاد آمریکا نیز مزایایی به‌همراه داشت. از جمله ایجاد بازارهای جدید برای کالاها و خدمات آمریکایی و تقویت نفوذ اقتصادی این کشور در سطح جهانی.

برخی معتقدند که وضعیت کنونی خاورمیانه هم شباهت‌هایی با اروپای پس از جنگ جهانی دوم دارد. جنگ اخیر باعث شد که

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

هشدارهای بازار کار

چرا باید نگران بازار کار بود؟

| |
|---|
| <div><div> </div><div><div> </div><div>مطوره خردمندان</div></div></div> |
| <div><div> </div><div><div> </div><div>گروه خردمندان</div></div></div> |

شواهد، تصویری نگران‌کننده از وضعیت کنونی اقتصاد و بازار کار ایران ترسیم می‌کند؛ تصویری که در آن، اقتصاد نه‌تنها با یک شوک موقت مواجه نیست، بلکه نشانه‌هایی از یک بحران عمیق و حتی تغییرات ساختاری در آن دیده می‌شود. در چنین شرایطی، مهم‌ترین پرسش این است که آیا اقتصاد ایران در آستانه یک دوره گذار دشوار قرار گرفته یا با بحرانی مزن مواجه است که می‌تواند پیامدهای بلندمدتی بر معیشت مردم داشته باشد.

یکی از نگرانی‌های اصلی کشور، وضعیت بازار کار است؛ بازاری که به‌جای پویایی و خلق فرصت‌های شغلی، به سمت «وضعیت اضطراری» حرکت کرده است. تعدیل نیرو، تعلیق فعالیت‌ها و بلاتکلیفی بنگاه‌ها، سه نشانه مهم این وضعیت هستند. هنگامی که بنگاه‌های اقتصادی به دلیل کاهش درآمد، ناطلمینانی نسبت به آینده و محدودیت‌های محیطی قادر به برنامه‌ریزی نیستند، اولین واکنش آنها کاهش هزینه‌هاست؛ و این کاهش هزینه، اغلب به‌معنای کاهش نیروی انسانی است. در نتیجه، نه‌تنها نرخ بیکاری افزایش می‌یابد، بلکه امنیت شغلی نیز به‌شدت تضعیف می‌شود. در این میان، یکی از نگران‌کننده‌ترین روندها، فرسایش سرمایه انسانی است. برخلاف

زیرساخت‌های بسیاری از کشورهای منطقه آسیب جدی ببیند. شهرها، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، جاده‌ها و حتی مراکز آموزشی و درمانی در خیلی از کشورهای درگیر جنگ آسیب‌های جدی دیده‌اند. در نتیجه، نیاز به بازسازی در مقیاس وسیع به یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی این کشورها تبدیل شده است.

براساس این دیدگاه، این حجم عظیم از تخریب می‌تواند در آینده به فرصتی اقتصادی برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه آمریکایی، تبدیل شود. پروژه‌های بازسازی معمولاً به سرمایه، فناوری و تخصص نیاز دارند؛ عواملی که شرکت‌های بزرگ آمریکایی از آن برخوردارند. در چنین شرایطی، ورود این شرکت‌ها به پروژه‌های بازسازی، می‌تواند سود قابل‌توجهی برای اقتصاد آمریکا به‌همراه داشته باشد. از سوی دیگر، برخی بر این باورند که در برابر این سرمایه‌گذاری‌ها، دسترسی به منابع طبیعی منطقه، به‌ویژه نفت و گاز، برای آمریکا تسهیل خواهد شد. با این حال، این تحلیل با چالش‌ها و تقد‌های جدی هم مواجه است. نخست آنکه شرایط خاورمیانه با اروپای پس از جنگ جهانی دوم تفاوت‌های اساسی دارد. در اروپا، دولت‌های نسبتاً باثبات، نهادهای حکمرانی کارآمد و همگرایی سیاسی میان کشورهای غربی وجود داشت که اجرای طرح‌های بازسازی را ممکن می‌کرد. اما در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، بی‌ثباتی سیاسی، اختلافات داخلی، و ضعف نهادهای دولتی، روند بازسازی را پیچیده‌تر و پریسک‌تر می‌کند. از سوی دیگر فضای رقابت بین‌المللی در دوران کنونی بسیار متفاوت از دهه ۱۹۴۰ است. امروزه کشورهای مانند چین، روسیه و حتی برخی قدرت‌های منطقه‌ای نیز به‌دنبال نقش‌آفرینی در پروژه‌های بازسازی خاورمیانه هستند. برای مثال، چین با ابتکار کمربند و جاده تلاش کرده است حضور اقتصادی خود را در مناطق مختلف جهان، از جمله خاورمیانه، گسترش دهد. یکن با استفاده از ابزارهایی مانند وام‌های کلان، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و مشارکت در پروژه‌های عمرانی، حضور اقتصادی خود را در مناطق مختلف جهان گسترش داده است. این حضور اغلب در قالب قراردادهایی است که نه‌تنها سود اقتصادی برای شرکت‌های چینی به‌همراه دارد، بلکه وابستگی اقتصادی بلندمدتی نیز برای کشور میزبان ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز در فرآیند بازسازی نقش دارند، اما کمک‌های آنها معمولاً مشروط به اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاسی خاصی است. این شرایط می‌تواند مسیر اقتصاد کشورهای جنگ‌زده را به‌گونه‌ای هدایت کند که با منافع کشورهای قدرتمند همسو باشد.

به همین دلیل، برخی منتقدان معتقدند که حتی در قالب کمک‌های

بین‌المللی نیز نوعی بازگشت غیرمستقیم منافع به اقتصادهای بزرگ جهانی وجود دارد. بنابراین، آمریکا دیگر تنها بازیگر میدان نیست و نمی‌تواند به‌راحتی همان نقشی را ایفا کند که در اروپای پس از جنگ جهانی دوم داشت. نکته مهم دیگر این است که هزینه‌های جنگ و بی‌ثباتی نیز برای آمریکا قابل‌توجه بوده است. حضور نظامی در منطقه، هزینه‌های امنیتی، و پیامدهای سیاسی و اجتماعی ناشی از درگیری‌ها، بار مالی سنگینی بر دوش دولت آمریکا گذاشته است. در نتیجه، اینگونه نیست که تخریب منطقه لزوماً به‌طور خالص به‌سود اقتصاد آمریکا باشد؛ بلکه باید مجموعه‌ای از هزینه‌ها و منافع را در کنار هم در نظر گرفت.

علاوه بر این، فرض نفت مجانی نیز تا حد زیادی ساده‌سازی واقعیت‌های پیچیده بازار انرژی است. بازار جهانی نفت تحت‌تأثیر عوامل متعددی ازجمله عرضه و تقاضا، سیاست‌های اوپک، تحولات ژئوپلیتیکی و پیشرفت‌های فناوری قرار دارد. حتی اگر شرکت‌های آمریکایی در برخی پروژه‌های نفتی مشارکت داشته باشند، این به‌معنای دسترسی رایگان یا بدون هزینه به منابع انرژی نیست. قراردادهای نفتی معمولاً پیچیده و مبتنی بر منافع متقابل هستند و کشورهای تولیدکننده نیز تلاش می‌کنند سهم خود را حفظ کنند.

از سوی دیگر، باید به پیامدهای انسانی و اجتماعی تخریب منطقه نیز توجه داشت. جنگ و ویرانی نه‌تنها زیرساخت‌ها را نابود می‌کند، بلکه زندگی میلیون‌ها انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. آوارگی، فقر، بیکاری و کاهش سطح خدمات عمومی ازجمله پیامدهایی هستند که بازسازی اقتصادی به‌تنهایی نمی‌تواند به‌سرعت آنها را جبران کند. بنابراین، نگاه صرفاً اقتصادی به مسئله تخریب و بازسازی، تصویر کاملی از واقعیت ارائه نمی‌دهد.

اگرچه بازسازی خاورمیانه می‌تواند فرصت‌هایی برای شرکت‌ها و اقتصادهای خارجی، ازجمله آمریکا، ایجاد کند، اما این موضوع به‌هیچ‌وجه به‌معنای سودآوری قطعی و بدون هزینه نیست. شرایط پیچیده سیاسی، رقابت بین‌المللی، هزینه‌های پیشین جنگ و محدودیت‌های ساختاری در کشورهای منطقه، همگی عواملی هستند که این فرضیه را با تردید مواجه می‌کنند. به بیان دیگر، مقایسه خاورمیانه امروز با اروپای پس از جنگ جهانی دوم، اگرچه از نظر ظاهری قابل‌درک است، اما از نظر تحلیلی نیازمند دقت و احتیاط بیشتری است. هر منطقه ویژگی‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان یک الگوی تاریخی را به‌سادگی به شرایطی کاملاً متفاوت تعمیم داد.

پدرام سلطانی معتقد است تخریب خاورمیانه لزوماً به‌طور مستقیم

و یک‌جانبه به سود اقتصاد آمریکا تمام نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای

از فرصت‌ها و چالش‌ها را به‌همراه دارد که نتیجه نهایی آن به عوامل

متعددی بستگی دارد. درک این پیچیدگی‌ها برای تحلیل دقیق‌تر

تحولات منطقه و نقش قدرت‌های جهانی در آن ضروری است.

به هرحال سود بازسازی کشورهای جنگ‌زده، عمدتاً به

کشورهایی می‌رسد که دارای قدرت اقتصادی، فناوری و نفوذ

سیاسی بیشتری هستند، به‌ویژه آمریکا، کشورهای اروپایی و چین.

با این حال، میزان این سود به شرایط هر کشور، نوع قراردادها، سطح

رقابت بین‌المللی و توان چانه‌زنی دولت‌های محلی بستگی دارد و

نمی‌توان یک الگوی ثابت برای همه موارد در نظر گرفت.

نیست. در این میان، نااطمینانی نسبت به آینده یکی از مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده بحران است. وقتی فعالان اقتصادی نمی‌دانند شرایط در ماه‌های آینده چگونه خواهد بود، تمایل آنها به سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و رفتارهای محافظه‌کارانه جایگزین تصمیم‌های توسعه‌ای می‌شود. این موضوع به‌ویژه در بخش خصوصی اهمیت دارد، زیرا این بخش موتور اصلی اشتغالزایی در هر اقتصادی محسوب می‌شود. کاهش فعالیت بخش خصوصی به‌طور مستقیم به کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری منجر خواهد شد.

همچنین، باید به اثرات اجتماعی این وضعیت توجه کرد. افزایش بیکاری، کاهش درآمد و ناامنی اقتصادی می‌تواند به افزایش نابرابری، گسترش فقر و حتی بروز ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. تجربه‌های گذشته نشان داده است که بحران‌های اقتصادی عمیق، اغلب پیامدهایی فراتر از حوزه اقتصاد دارند و می‌توانند ثبات اجتماعی را نیز تحت‌تأثیر قرار دهند. با این حال، نکته‌ای که نباید نادیده گرفته شود، این است که هر بحران در عین حال می‌تواند فرصتی برای اصلاح نیز باشد. اگر سیاستگذاران بتوانند از این شرایط برای بازنگری در ساختارهای اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار و تقویت بخش خصوصی استفاده کنند، ممکن است زمینه برای خروج از بحران فراهم شود. اما تحقق این امر نیازمند تصمیم‌گیری‌های دشوار، شفافیت در سیاستگذاری و ایجاد اعتماد در میان فعالان اقتصادی است. آنچه از این وضعیت برمی‌آید، این است که اقتصاد ایران در نقطه حساسی قرار دارد؛ نقطه‌ای که در آن، ادامه روند‌های کنونی می‌تواند به تعمیق بحران منجر شود، ام‌ا در عین حال، امکان تغییر مسیر نیز وجود دارد. آینده اقتصاد تا حد زیادی به نحوه مدیریت این وضعیت و تصمیم‌هایی بستگی دارد که امروز اتخاذ می‌شود. «فردا چه خواهد شد؟» پرسشی است که پاسخ آن نه در تحلیل‌ها، بلکه در سیاست‌ها و اقدامات عملی نهفته است.

میراث فرهنگی

نابودی میراث بشریت

واکنش پژوهشگران و استادان مطالعات حوزه ایرانی جهان به تخریب میراث ایران

گروه اجتماعی: شماری از استادان دانشگاهها و پژوهشگران حوزه مطالعات ایرانی به همراه جمعی از دانش پژوهان بین المللی، با انتشار بیانیه‌ای نسبت به تخریب گسترده آثار باستانی ایران در جریان بمباران‌های آمریکا و اسرائیل هشدار دادند. این گروه تأکید کرده‌اند که جنگ جاری، علاوه بر جان هزاران نفر، حافظه تاریخی مشترک بشریت را نیز هدف قرار داده است. در بیانیه‌ای که توسط پژوهشگرانی مانند آلو پیر براک دولا پری‌یر، دنی هرمان، برنارد هورکاد، عباس امانت و آزاده کیان امضا شده، آمده است که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، آمریکا و اسرائیل کارزار بمباران شدید ایران را آغاز کرده‌اند. این اقدامات بر اساس حقوق بین الملل غیرقانونی خوانده شده‌اند و حتی با اعلام آتش‌سختی در شامگاه ۷ تا ۸ آوریل، آثار ویرانگر بمباران‌ها ادامه دارد.

پژوهشگران به نقش یونسکو و دیگر نهادهای بین المللی در هشداردهی نسبت به پیامدهای ویرانگر این جنگ اشاره کردند. یونسکو، اروپا نوسترا، شورای بین المللی موزهها (ICOM) و شورای بین المللی ابنیه و محوطهها (ICOMOS) بارها خطرات ناشی از تخریب آثار تاریخی ایران را برای میراث فرهنگی منطقه و جهان برجسته کرده‌اند. آسیب‌هایی که در جریان این بمباران‌ها گزارش شده‌اند شامل کاخ گلستان در تهران، کاخ چهل‌ستون و میدان نقش جهان در اصفهان و بیش از ۱۲۰ مکان تاریخی دیگر است که جبران‌ناپذیر تخریب شده‌اند.

بیانیه‌یونسکو هشدار داده‌اند که این تخریب‌ها گاهی نتیجه حملات عمدی است. دانشگاه‌های تهران و اصفهان، دفاتر سازمان میراث فرهنگی در خرم‌آباد و دژ باستانی فلک‌الافلاک و موزه مجاور آن، نمونه‌هایی از مکان‌های هدف قرار گرفته هستند. این حملات نه تنها آثار تاریخی را نابود کرده، بلکه به کارکنان و پژوهشگران آسیب زده و آرشيوها و اسناد علمی مهم را در معرض خطر قرار داده است. پژوهشگران در بیانیه خود بر ارزش بی‌بدیل میراث ایران تأکید کردند. ایران علاوه بر ۲۹ اثر ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، حدود ۴۰ هزار مکان در فهرست میراث ملی و مجموعه‌های آرشيوی متعدد دارد که برای نسل‌های حال و آینده اهمیت ویژه‌ای دارند. از دوران پارینه‌سنگی بیش از ۳۰۰ هزار سال پیش تا دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی، ایران گواهی می‌ماند بر تکامل فرهنگ‌ها، شهرها و سنت‌های هنری و معماری است.

شهرهایی مانند شوش، شهر سوخته، پاسارگاد و تخت جمشید، و همچنین بناهای اسلامی اصفهان و یزد، بخشی از این میراث غنی را تشکیل می‌دهند. علاوه بر آثار باشکوه، سایت‌های بومی، آرامگاه‌ها و آثار روزمره زندگی مردم در ایران قدیم، نقش مهمی در درک فرهنگ و تاریخ منطقه دارند. این تنوع جغرافیایی و فرهنگی، با وجود مناطق کوهستانی، بیابانی و ساحلی، امکان بررسی سازگاری جوامع با تغییرات اقلیمی و توسعه کشاورزی و باغ‌های نمادین ایرانی را فراهم کرده است. پژوهشگران هشدار داده‌اند که جنگ جاری پیامدهای زیست‌محیطی و انسانی جدی نیز بر این محیط‌های شکننده خواهد داشت.

بیانیه‌یونسکو بر ضرورت حمایت از همکاران ایرانی، از جمله پژوهشگران، مرمت‌گران، موزه‌داران و دانشجویان تأکید کرده و خواستار تأمین امنیت و ابزارهای لازم برای ادامه پژوهش و مستندسازی میراث فرهنگی شدند. آنها همچنین خواستار افزایش سازوکارهای بین المللی برای جابه‌جایی پژوهشگران، فراهم کردن اقامت‌های پژوهشی، بورس‌های دکتری و پس‌ادکتری و گسترش برنامه‌های دیجیتال‌سازی آرشيوها شدند. نقش فرانسه با بیش از ۱۵۰ سال همکاری علمی با ایران، به‌عنوان تسهیل‌کننده شبکه‌های پژوهشی و حمایت از همکاران ایرانی، مورد تأکید قرار گرفته است. مؤسسات وابسته به فرانسه در ایران و کشورهای همسایه، مانند انجمن ایران‌شناسی فرانسه (IFRI)، مؤسسه فرانسوی مطالعات آسیای مرکزی (IFEO) و هیأت باستان‌شناسی فرانسه در افغانستان (DAFA)، نقش مهمی در حفظ ارتباط با جوامع علمی محلی و هماهنگی پژوهش‌ها دارند. پژوهشگران هشدار داده‌اند که تخریب میراث ایران تنها مسئله ملی نیست، بلکه پاک کردن تاریخ خاورمیانه و تهدیدی برای حافظه تاریخی مشترک بشر است. حملات نظامی با نابودی آثار تاریخی و دانشگاه‌ها، به انسانیت‌زدایی در منطقه دامن‌زده و ارزش تاریخی، فرهنگی و علمی این سرزمین‌ها را فدای منافع کوتاه‌مدت ژئوپلیتیکی و اقتصادی می‌کند. پژوهشگران از نهادهای بین المللی و وابسته به خود خواسته‌اند تا اقدامات حفاظتی فوری و بلندمدت انجام دهند، از پژوهشگران ایرانی حمایت کنند و تضمین کنند که تحقیقات علمی در حوزه مطالعات ایرانی ادامه یابد. به گفته آنها، پژوهش در تاریخ ایران بزرگ و شناخت میراث فرهنگی این کشور، نه تنها برای ایران بلکه برای فهم تاریخ و تمدن بشریت حیاتی است.

تبعیض حقوق در دانشگاه‌ها

افزایش نجومی حقوق اعضای هیأت‌های علمی با واکنش کارمندان روبه‌رو شد که فقط ۲۰ درصد به حقوق‌شان اضافه شده است



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

افزایش ۷۵ درصدی حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها که در هفته آخر اسفندماه ۱۴۰۴ توسط «هیأت امنای وزارت علوم» مصوب شد، واکنش‌های شدید کارکنان دانشگاه‌ها را در پی داشته است. اعتراضاتی که از دانشگاه تهران آغاز شد و تا بیش از ۳۰۰ دانشگاه کشور گسترده شد، نشان می‌دهد فاصله میان حقوق اعضای هیأت علمی و کارکنان اداری دانشگاه‌ها به حدی رسیده که به زنگ خطری برای عدالت سازمانی تبدیل شده است.

کارمندان دانشگاه‌ها این مصوبه را «تبعیض آمیز» می‌دانند و معتقدند که اجرای یک‌جانبه افزایش حقوق، وضعیت معیشتی

حدود ۸۰ هزار کارمند دانشگاه را نادیده گرفته است. نایب‌رئیس شورای صنفی کارمندان دانشگاه تهران، «نظری طباطبائی»، تأکید می‌کند که از ابتدای تأسیس هیأت امنای وزارت علوم، هیچ افزایشی برای کارکنان در نظر گرفته نشده و این بی‌توجهی باعث شده حقوق برخی کارمندان با مدارک تحصیلی بالا، از حداقل حقوق یک کارگر با مدرک دیپلم کمتر باشد.

از سوی دیگر، وزارت علوم، افزایش حقوق اعضای هیأت علمی را تالاشی برای جلوگیری از مهاجرت

استادان می‌داند. وزیر علوم پیش‌تر اعلام کرده بود که ۲۵ درصد از استادان در چند سال اخیر مهاجرت کرده‌اند و کاهش توان دانشگاه‌ها و افت شاخص‌های علمی از پیامدهای آن است. حقوق پایین و تفاوت چشمگیر با دانشگاه‌های کشورهای همسایه، مانند عربستان، امارات، قطر و ترکیه که حقوق پایه استادیارها چند هزار دلار است، عامل اصلی نگرانی وزارت علوم اعلام شده است.

اما مشکل فقط فاصله حقوقی بین دانشگاه‌های ایران و جهان نیست؛ بلکه اختلاف داخلی میان اعضای هیأت علمی و کارمندان اداری نیز به بحران تبدیل شده است. طبق گزارش‌ها، مصوبه اخیر حقوق اعضای هیأت علمی را تا حدود ۲۰۰ میلیون تومان رسانده، در حالی که حقوق کارکنان به حدود ۲۵ میلیون تومان محدود است. این فاصله نه تنها به نارضایتی شدید انجامیده، بلکه بحران انگیزه و بی‌میلی در میان کارکنان را تشدید کرده است.

مستولان کمیسیون آموزش مجلس نیز نسبت به این نابرابری هشدار داده‌اند. سخنگوی کمیسیون، احسان عظیمی‌راد، افزایش حقوق کارمندان دانشگاه‌ها را ضروری می‌داند و تأکید می‌کند که عدم توجه به وضعیت معیشتی این گروه، می‌تواند به رکود و بی‌تفاوتی در محیط دانشگاهی منجر شود. پیگیری‌های ۱۲ ماهه مجلس نشان داده که شورای حقوق و دستمزد تنها با افزایش حقوق هیأت علمی موافقت کرده و کارکنان دانشگاه‌ها همچنان منتظر همسان‌سازی هستند.

بحران دیگری که بر وخامت وضعیت افزوده، اعمال سقف ۱۳۰ میلیون تومانی برای حقوق کارکنان دولت در سال ۱۴۰۵ است. اعضای هیأت علمی و قضات از این سقف مستثنا شده‌اند؛ تصمیمی که شکاف میان گروه‌های پردرآمد و حقوق‌بگیران عادی دولت را عمیق‌تر کرده و نشان می‌دهد سیاست‌های موجود بیشتر به کنترل مهاجرت استادان و مدیریت بودجه تمرکز دارد تا عدالت سازمانی و معیشتی کارکنان.

در این میان، شورای صنفی کارکنان دانشگاه تهران در بیانیه‌ای رسمی از استمرار اعتراضات تا اجرای کامل افزایش حقوق کارمندان خبر داده و تأکید کرده است که حضور اعتراضی در دانشگاه‌ها تا تحقق عدالت حقوقی ادامه خواهد داشت.

دریافت حقوق‌های چند دهه میلیونی بدون حضور فیزیکی

مجتبی کاکویی‌پور، مدیر اداری دانشگاه پیام‌نور، واحد مازندران با ۲۹ سال سابقه، ضمن تأکید بر این موضوع که ما با اعضای هیأت علمی دشمنی نداریم، فقط می‌خواهیم عدالت رعایت شود، در توضیح اختلاف رخ داده به سازندگی می‌گوید: در دانشگاه پیام نور، دو دسته نیرو فعالیت می‌کنند: اعضای هیأت علمی و اعضای غیر هیأت علمی. تا حدود هفت تا ۱۰ سال پیش، اختلاف حقوقی قابل توجهی بین این دو گروه وجود نداشت و تقریباً در یک سطح حقوق دریافت می‌کردند. اعضای هیأت علمی به‌صورت علمی استخدام می‌شدند و سایر کارکنان

به‌صورت اداری. از زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، درخواست‌هایی برای اعمال تغییرات بین حقوق اعضای علمی و اداری مطرح شد تا تفاوت‌ها مشخص شود. نهایتاً در زمان آقای احمدی‌نژاد، این تغییرات اجرایی شد و برای اعضای هیأت علمی امتیازاتی در نظر گرفته شد.

او ادامه می‌دهد: در ایام تعطیلات، اعضای هیأت علمی پیگیر افزایش حقوق خود بودند، اما افزایش قابل توجهی اعمال نشد. از زمان آقای احمدی‌نژاد، اعضای علمی افزایش محدودی در حقوق داشتند و اختلاف آنها با کارکنان اداری ناچیز بود (حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد) و اعتراض خاصی رخ نداد. این وضعیت ادامه داشت تا سال گذشته (۱۴۰۴)، که اختلاف بین اعضای علمی و کارکنان اداری همچنان وجود داشت. به‌عنوان مثال، برخی از اعضای علمی با مدرک دکترا و سابقه کاری بالا، اختلاف حقوقی



حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی با کارکنان اداری داشتند. با این حال، تصمیم ناگهانی در آستانه تعطیلات نوروز، بدون ارجاع به مجلس یا شورای نگهبان، افزایش قابل توجه حقوق برای اعضای علمی اعمال شد؛ تا ۷۵ درصد در برخی موارد. این امر باعث شد که اختلاف حقوق با کارکنان اداری به‌طور چشمگیری افزایش یابد. کاکویی‌پور اضافه می‌کند: برای نمونه، حقوق من به‌عنوان مدیر اداری دانشگاه پیام نور استان مازندران با ۲۹ سال سابقه کاری، با حکم جدید به ۴۴ میلیون تومان رسید. در حالی که هم‌رده علمی من با همان سابقه و مدرک، ممکن است ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان دریافت کند. قانون هم‌ترازی در دانشگاه‌ها مقرر می‌کند که حقوق کارکنان اداری باید حدود ۸۰ درصد هم‌رده علمی خود باشد، اما در عمل این قانون به‌درستی اجرا نمی‌شود. همچنین، وضعیت حضور و فعالیت اعضای علمی نیز متفاوت است. بسیاری از آنها در طول سال تنها در مدت برگزاری کلاس‌ها حضور دارند و در سایر زمان‌ها به‌صورت مجازی یا غیابی در دانشگاه فعالیت دارند، در حالی که کارکنان اداری به‌صورت مستمر و حضوری فعالیت می‌کنند.

اعضای علمی به‌صورت مجازی کلاس اجرا می‌کنند و حقوق‌شان را دریافت می‌کنند، در حالی که من که از ساعت ۸ صبح کارم را آغاز می‌کنم، تنها ۸۰ درصد حقوق هم‌رده علمی خود را دریافت می‌کنم و حتی این میزان نیز هنوز اعمال نشده است. در واقع، من حتی ۵۰ درصد آن حقوق هم دریافت نمی‌کنم.

برای جبران این موضوع دانشگاه تهران رفاهیات ۲۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را برای اعضای علمی در نظر گرفته است، برای ما حدود ۵ میلیون تومان لحاظ شده است. این مبلغ در فیش حقوق بازنشستگی من حذف خواهد شد. اگر قرار بود تفاوت‌ها به‌درستی لحاظ شود، حتی همین مبالغ کوچک مانند ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ میلیون تومان که دانشگاه تهران پرداخت کرده بود، باید در فیش حقوقی ما هم لحاظ می‌شد.

به گفته کاکویی‌پور؛ بسیاری از مسئولین که در جریان این قضایا بوده‌اند، آگاه نبوده‌اند و به‌نوعی سوء استفاده‌ای صورت گرفته است. به‌نظر می‌رسد برخی اعضای هیأت علمی از این فضا بهره‌برداری کرده و نفوذ خود را افزایش داده‌اند. اکثریت مسئولین کشور، از جمله نمایندگان، وزرا و معاونین، خود دارای سابقه علمی دانشگاهی هستند. برخی نمایندگان پس از ورود به مجلس متوجه شدند که حضور علمی به‌تنهایی کافی نیست و برای نفوذ سریع، به دانشگاه‌های علمی مراجعه کرده و موقعیت‌هایی در آنجا به‌دست آورده‌اند. به همین دلیل، ۸۰ تا ۹۰ درصد مسئولین کشور دارای پیشینه علمی دانشگاهی هستند. این مدیر اداری دانشگاه با بیان اینکه ما به‌عنوان کارکنان اداری مخالفتی با حضور آنها نداریم، اما از تبعات این وضعیت آسیب دیده‌ایم، تأکید می‌کند: من به‌عنوان مدیر دانشگاه، با کارمندی مواجه هستم که حاضر به انجام کارهای ضروری نیستند و به من پاسخ می‌دهند که «این کار را انجام نمی‌دهم». این وضعیت

باعث ایجاد چالش جدی برای مدیریت و پیشبرد امور دانشگاه شده است. اعتراضات صنفی در سراسر دانشگاه‌های پیام نور کشور شکل گرفت و مسئولین، به‌جای حل مسأله، برخی کارکنان را با معرفی به کمیته تخلفات تهدید کردند. این در حالی است که کارکنان تنها درخواست حقوق قانونی خود را داشته‌اند و قصد سوء استفاده‌ای نداشته‌اند.

او ادامه می‌دهد: با نزدیک شدن به امتحانات دانشگاه‌ها، نگرانی‌ها افزایش یافته است، زیرا اگر کارکنان اداری همکاری نکنند، برگزاری امتحانات و تحصیل دانشجویان دچار مشکل می‌شود. این مسائل باعث شده که اختلافات بین اعضای علمی و کارکنان اداری شدت پیدا کند. براساس اخبار و اطلاعات موجود، افزایش حقوق کارکنان اداری هنوز اعمال نشده و تنها مبلغ سه میلیون تومان به حقوق ما اضافه شده است. در مقابل،

پرداخت حقوق اعضای علمی با حکم سال ۱۴۰۴ ادامه یافته و این وضعیت باید اصلاح شود. ما با افزایش حقوق علمی مخالفتی نداریم، به شرطی که حقوق کارکنان اداری نیز متناسب با قانون هم‌ترازی و زحمات واقعی آنها افزایش یابد. تورم اعلام‌شده توسط دولت (۱۸ درصد) پذیرفته است، اما باید توجه داشت که کارکنان اداری نیز بخش اصلی فعالیت‌های دانشگاه را انجام می‌دهند و بدون آنها اعضای علمی قادر به انجام امور خود نیستند. کاکویی‌پور تأکید می‌کند: ما هیچ

دشمنی با اعضای علمی نداریم و با هم دوستیم. من خودم به‌عنوان مدیر اداری، رابطه بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با برخی اعضای علمی دارم؛ بعضی از آنها حتی با هم در زندگی شخصی نیز ارتباط نزدیک دارند. با این حال، اقدام اخیر اعضای علمی باعث ایجاد اختلاف بین کارکنان اداری و علمی شد. در اعتراضاتی که برگزار کردیم، حتی برخی از اعضای علمی ما در جمع حضور داشتند و واکنش آنها بسیار مثبت و حمایتی بود.

اعضای علمی تازه‌وارد حقوق ۸۰ میلیونی دارند

علی محمدی، یکی از کارکنان آموزش نیز با اشاره به تبعیض به‌وجود آمده به‌سازندگی می‌گوید: در دانشگاه ما، اعضای علمی اغلب حضور مستمر ندارند؛ نه در سامانه حضور و غیاب ثبت می‌کنند و نه به‌صورت حضوری در دانشگاه فعال هستند. کلاس‌های آنها غالباً غیرحضوری و از طریق فضای مجازی برگزار می‌شود و بسیاری از آنها حتی در منزل به تدریس می‌پردازند. با این حال، حقوق آنها افزایش قابل توجهی یافته است. این در حالی است که کارکنان اداری، که مسئولیت برگزاری امتحانات، ثبت‌نام و مدیریت کلاس‌ها را برعهده دارند، چنین افزایشی دریافت نکرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: ما بارها شاهد بوده‌ایم که اعضای علمی، حتی در هنگام برگزاری امتحانات فارغ‌التحصیلان، قادر به مدیریت امور امتحانی و دانشجویان نیستند و نیازمند کمک کارکنان اداری هستند. این تبعیض و افزایش حقوق ناگهانی باعث کاهش انگیزه کارکنان اداری شده است. برای مثال برخی از کارکنان با مدارک کارشناسی ارشد و دکترا و بیش از ۲۸ تا ۳۰ سال سابقه کاری، تنها حقوقی در حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند، در حالی که اعضای علمی تازه‌وارد، حقوقی کمتر از ۸۰ میلیون تومان ندارند. بسیاری از کارکنان ما برای تأمین معیشت مجبور شده‌اند به شغل‌های دیگری مانند اسنپ یا کارهای غیرمرتبط روی آورند، که در شأن کارمندی دانشگاهی نیست.

به گفته او؛ کارکنان اداری با مدارک عالی و تجربه طولانی، از نظر مذهبی و اخلاقی ارزشمندتر از بسیاری از اعضای علمی هستند و شهادت کارکنان نیز بسیار زیادند. با این حال، تبعیض اعمال شده بدون رعایت عدالت و هم‌ترازی، ناراحتی و بی‌انگیزگی کارکنان را به‌دنبال داشته است.

به گزارش سازندگی؛ مسئله اصلی اکنون این است: وزارت علوم در یک دوگانگی قرار دارد؛ افزایش حقوق برای جلوگیری از مهاجرت استادان یا رفع تبعیض و بهبود معیشت کارکنان؟ بدون پاسخ متوازن، این بحران می‌تواند به نهاد دانشگاه را تضعیف کند و هم انگیزه و بهره‌وری کارکنان و اعضای هیأت علمی را تحت‌تأثیر قرار دهد. در نهایت، آینده آموزش عالی کشور تا حد زیادی به نحوه مدیریت این شکاف حقوقی و ایجاد عدالت میان تمامی اعضای دانشگاه بستگی دارد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلتی

مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروفچین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

برگ برنده

ایران در نقطه تصمیم‌های سخت و امکان بازتعریف آینده



نوید حسینیون

عضو شورای استان خراسان رضوی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

سال ۱۴۰۴ شاید یکی از سخت‌ترین و عجیب‌ترین سال‌های دوران معاصر ایران باشد؛ هر آنچه دلسوزان و دغدغه‌مندان طی دو دهه گذشته، در خصوص سناریوهای پیش‌رو برای ایران هشدار داده بودند، اتفاق افتاد؛ تهاجم نظامی محدود در جنگ ۱۲ روزه، فعال شدن اسنپ‌بک، تشدید تحریم اقتصادی که منجر به فشار اقتصادی محسوس به معیشت مردم گردید تا اعتصابات و اعتراضات و درگیری‌های تأسف‌برانگیز و خونبار ۱۹-۱۸ ماه و در نهایت جنگ ظالمانه و گسترده‌ای که از ۱۹ سپتامبر شروع و در نهایت منتج به درگیری گسترده منطقه‌ای شد. طی ۴۰ روز جنگ، زیرساخت‌ها، شهرها و مناطق مسکونی، کسب‌وکارها و... مورد تهاجم قرار گرفت و ویران شد.

جنگ با ایران اما از سال گذشته شروع شده بود. جنگ اصلی از زمان شروع تحریم‌های اقتصادی بر علیه زندگی و روح و روان ایرانیان شروع شده بود؛ زمانی که با تبلیغات وسیع و گسترده، سعی شد تیغ تحریم را بر علیه جامعه ایران نشان دهند، دقیقاً مثل همین روشی که با حمله به دلسوزان ایران برای شروع جنگ وحشیانه امسال استفاده شد و جنگ را تنها راه نجات معرفی می‌کردند.

اقتصاد ایران با دلبه قیچی تحریم خارجی و ساختار اشتباه اقتصاد دستوری دولتی از دنیا بریده شد. این دو عامل باعث شد که توسعه زیرساختی در ایران کند یا متوقف شود و حذف ایران از اقتصاد دنیا باعث شد که در مرحله اول حمله خارجی به ایران مخالف سخنی نداشته باشد. انگیزه حمله زمانی کامل شد که طی چند سال گذشته،

گشتی در لجن با خوک

از توثیق عراقچی تا واکنش ترامپ



مجید مقدری

کشورمدنی

توثیق اخیر دکتر عراقچی در ارتباط با باز شدن تنگه هرمز که بلافاصله با نوشته پیروزمندانه ترامپ پاسخ داده شد و سبب ریزش شدید قیمت نفت جهانی شد، با انتقاد شدید بسیاری از منتقدان داخلی مواجه شده و خواستار پاسخ شدید وزیر امور خارجه ایران به موضع‌گیری ترامپ شدند. کسانی که به عراقچی برای نوشتن این توثیق حمله می‌کنند، دانسته یا نادانسته وجود تفاوت‌های آشکار را در این زمینه نادیده می‌گیرند.

ترامپ وقتی چیزی می‌نویسد، به‌عنوان شخص اول آمریکا و فرمانده کل قوا که در هر لحظه می‌تواند هر توافق‌نامه را بپذیرد یا رد کند، جنگ را دوباره آغاز یا تمام کند، می‌نویسد. اما عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه دولت ایران می‌نویسد که رئیس‌جمهور در آن شخص دوم مملکت است، در حالی که فرماندهی کل قوا، دستور مذاکره، فرمان شروع و پایان جنگ در صلاحیت انحصاری رهبری نظام است. عراقچی برای نوشتن هر توثیق باید با بخش‌های مختلف نظامی و حاکمیتی هماهنگ کند، در حالی که ترامپ هرچه به ذهنش می‌رسد راست یا دروغ، فوراً می‌نویسد و نیازی هم نیست به کسی پاسخگو باشد.

ترامپ وقتی در مورد تنگه هرمز می‌نویسد، برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم آمریکا یا جمهوریخواهان حامی خودش می‌نویسد و البته تأثیرگذاری بر بازارهای مالی. عراقچی که



دلخوری‌ها و انسجام اجتماعی کشور باشد، دومین حرکت باید استفاده از موقعیت استراتژیک تنگه هرمز و رها شدن از دام تحریم‌ها و فشارهای ناعادلانه خارجی باشد و سخت‌ترین تصمیم بازتعریف ساختار مدیریت اقتصادی کشور است که بدون جراحی جدی در اقتصاد، امکان احیای ایران وجود ندارد.

حتماً می‌داند این توثیق‌اش سبب اعتراض شدید در داخل به او خواهد شد اما توثیق را همچنان منتشر می‌کند، چون او سخنگوی رسمی کشور برای تبدیل وضعیت آتش‌بس به صلحی پایدار با رعایت مصالح ایران است. برای همین ترامپ هرچه دوست دارد می‌نویسد تا مردم آمریکا و بازارهای مالی خوششان بیاید اما عراقچی مجبور است هر توثیق را صدها بار بخواند، اصلاح کند، مشورت کند و اجازه بگیرد تا مبادا یک کلمه در آن سبب از بین رفتن منافع کشور شود. ترامپ با دهه‌ها زندگی در سطح یک تاجر سرمایه‌دار، از مدل گفتاری خاص خود بهره می‌برد که در آن راست و دروغ بودن صحبت مهم نیست، قانونی و غیرقانونی بودن نوشته حتی تهدید نابودی یک تمدن مهم نیست، مهم فقط ارضای حس برتری و کسب حداکثر امتیاز ممکن است و بس. اما عراقچی به‌عنوان کسی که دهه‌ها سابقه دیپلماتیک دارد، تابع آداب و اخلاق دیپلماتیک و دقت در قانونی بودن نوشته‌هاست. پدری فرزندش را نصیحت می‌کرد که «ای پسر! هرگز با افراد فرومایه بحث نکن چون آنها اول تو را به سطح خودشان پایین می‌آورند و سپس با تجربه‌ای که از سال‌ها زندگی در آن سطح دارند، بر تو غلبه می‌کنند». اصرار منتقدان به پاسخگویی بینگ‌پنگی عراقچی به ترامپ، افتادن در زمین بازی‌ای است که زمین بازی دیپلمات‌هایی چون عراقچی نیست.

یک ضرب‌المثل خارجی می‌گفت: «هیچ‌گاه با یک خوک گشتی نگیرید، چون هم کثیف می‌شوید هم خوک از این کار لذت می‌برد». اصرار بر گشتی گرفتن عراقچی با ترامپ در فضای مجازی و توثیق، نه تنها به کثیف شدن عراقچی و حتی لجن‌مال شدن مصالح ملی خواهد انجامید، بلکه سبب لذت ترامپ هم شده و بهانه‌ای برای نوشته‌های تندتر و تهدیدهای بیشتر خواهد بود. ترامپ برایش سرتوشت مردم ایران مهم نیست اما برای عراقچی که هست.

شناسه آگهی ۲۱۵۴۸۰۹ نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی (پالایشگاه نهم) در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی بصورت یکپارچه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تعیین نماید:

| | |
|--|--|
| شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران | ۲۰۴۰۹۷۵۸۷۰۰۰۰۳۰ |
| شماره تقاضا و مناقصه | تقاضای شماره ۲۴۹۰۲۲ مناقصه شماره R9/04/04 |
| موضوع مناقصه / شرح مختصر اقلام در خواستی | خرید تویب‌های آب شیرین کن |
| مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار | ۵۲۹۰۰۰۰۰۰ ریال |
| نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار | تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۰۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می باشد. |
| مبلغ برآوردی مناقصه | ۱.۷۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال |
| تاریخ ارسال اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد | اولین روز پس از درج نوبت دوم آگهی مناقصه در روزنامه کثیرالانتشار کشوری |
| آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد | حداقل ۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد. |
| آخرین مهلت بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی، پاکات الف و ب و ج (ضمائم نامه، پیشنهاد فنی بازرگانی و مالی) در سامانه ستاد | طرف مدت حداقل دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد. ضمناً برنامه زمانی گشایش کلیه پاکات مناقصه از طریق سامانه ستاد اعلان می گردد. |
| آدرس مناقصه گزار | استان بوشهر - شهرستان کنگان - کیلومتر ۱۵ جاده عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پالایشگاه نهم (فاز ۲) - ساختمان تدارکات و عملیات کالا - اداره خرید - شماره تماس ۲۷۸۱ - ۲۷۹۲ - ۰۷۷۲۲۲۱۳۷۲۸ |

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت کواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن کارشناس خرید (۲۷۸۱ - ۲۷۹۲ - ۰۷۷۲۲۲۱۳۷۲۸) تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۱/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی رأی هیأت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیأت تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سهندج تصرفات مالکانه بلامعراض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم آگهی می گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستا از تاریخ الصاق در محل تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱- ششدانگ یک قطعه باغ بنام آقای یدالله کریمی نژاد فرزند فتح اله صادره سهندج به مساحت ششدانگ ۲۲۰۹/۳۷ متر مربع پلاک شماره ۹۳۳ فرعی از ۴۱- اصلی بخش ده منطقه ۲ سهندج جزء نسق زارخانه شماره ۲۵۴۳۶ مورخ ۱۳۵۳/۵/۱۵ دفتر ۱۶ سهندج

۲- ششدانگ یک قطعه باغ بنام آقای یدالله کریمی نژاد فرزند فتح اله صادره سهندج به مساحت ششدانگ ۳۹۲۲/۶۱ متر مربع پلاک شماره ۹۲۷ فرعی از ۴۱- اصلی بخش ده منطقه ۲ سهندج جزء نسق زارخانه شماره ۲۵۴۳۶ مورخ ۱۳۵۳/۵/۱۵ دفتر ۱۶ سهندج

۳- ششدانگ یک قطعه باغ بنام آقای یدالله کریمی نژاد فرزند فتح اله صادره سهندج به مساحت ششدانگ ۳۹۲۲/۶۱ متر مربع پلاک شماره ۹۲۷ فرعی از ۴۱- اصلی بخش ده منطقه ۲ سهندج جزء نسق زارخانه شماره ۲۵۴۳۶ مورخ ۱۳۵۳/۵/۱۵ دفتر ۱۶ سهندج

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۱/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۴
اقدام کننده: صلاح الدین شاهرودی

هیوا احمدیان
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ سهندج
م الف ۹۹۴۴

شناسه آگهی: ۲۱۵۳۱۹۷

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای خدمات حمل و نقل

اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان تهران در نظر دارد مناقصه عمومی انجام خدمات حمل و نقل بازرسی اداره کل (درون شهری و برون شهری) مربوط به کلیه ساختمان ها و ستاد های خود درسال ۱۴۰۵ را به تعداد ۶۵ دستگاه خودرو (پژو، سمند و پراید، تیبا، ساین) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی WWW.setadiran.ir برگزار نماید. مناقصه گران باید در سامانه مذکور مراحل ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند.

نام مناقصه گذار: اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان تهران
موضوع مناقصه: خدمات حمل و نقل بازرسی (درون شهری و برون شهری) مربوط به کلیه ساختمان ها و ستاد های اداره کل با زمانبندی مشروحه ذیل:

| انتشار مناقصه در سامانه ستاد | دریافت اسناد در سامانه ستاد | آخرین مهلت دریافت اسناد | آخرین مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه | زمان برگزاری مناقصه و بازگشایی پاکات |
|------------------------------|-----------------------------|-------------------------|------------------------------------|--------------------------------------|
| دو شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۳۱ | سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ | سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ | ساعت ۱۳ یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ | ساعت ۱۰ دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۱ |

نشانی مناقصه گذار و محل برگزاری کمیسیون: تهران، میدان ولیعصر، کوچه ارژنگ، پلاک ۱، تلفن: ۸۳۲۱۱۹۴۸-۸۳۲۱۱۹۵۳-۰۲۱-کدپستی ۱۴۱۵۸۱۴۸۸۸
تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۱۲،۰۰۰،۷۸۶،۰۰۰ ریال (به حروف: یازده میلیارد و هفتصد و هشتاد و شش میلیون و یکصد و دوازده هزار ریال) به صورت ضمانتنامه بانکی با مدت اعتبار ۳ ماهه به نام اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان تهران الزامیست حداکثر تا ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ در سامانه ستاد بارگذاری و اصل آن به دبیرخانه این اداره کل ارائه گردد. ضمناً پیشنهادات ارسالی خارج از سامانه ستاد، فاقد مهر و امضاء، مشروط، مخدوش، ناخوانا و غیر موعود، مردود خواهد گردید.

م الف ۷۴

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگ